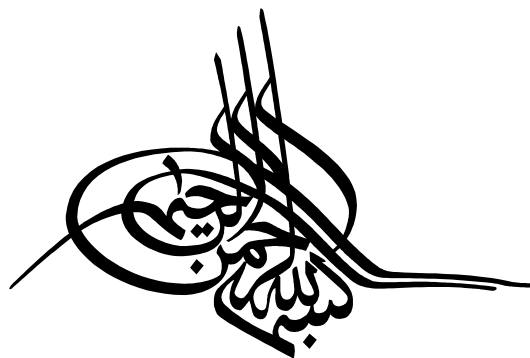




مالیه عمومی و بودجه

سری کتابهای کمک آموزشی کارشناسی ارشد

مجموعه مدیریت
مؤلف: مصطفی ملکی

سرشناسه	: ملکی، مصطفی (۱۳۶۶)
عنوان	: مالیه عمومی و بودجه
مشخصات نشر	: تهران: مشاوران صعود ماهان، ۱۴۰۴
مشخصات ظاهری	: ۴۳۶ صفحه
فروست	: سری کتاب‌های کمک آموزشی کارشناسی ارشد
شابک	: 978-600-458-926-0
وضعیت فهرست نویسی	: فیپای مختصر
یادداشت	: این مدرک در آدرس http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است.



نام کتاب: مالیه عمومی و بودجه
مدیران مسئول: هادی سیاری، مجید سیاری
مولف: مصطفی ملکی
مدیر تولید محتوا: سمیه بیگی
ناشر: مشاوران صعود ماهان
نوبت و تاریخ چاپ: اول / ۱۴۰۴
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۶/۲۷۰/۰۰۰ ریال
شابک: ISBN : ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۸-۹۲۶-۰

انتشارات مشاوران صعود ماهان: خیابان ولیعصر، بالاتر از تقاطع مطهری،

روبروی قنادی هتل بزرگ تهران، جنب بانک ملی، پلاک ۲۰۵۰

تلفن: ۸۸۱۰۰۱۱۳-۴

سخن ناشر

«ن والقلم و ما یسطرون»

کلمه نزد خدا بود و خدا آن را با قلم بر ما نازل کرد.

به پاس تشکر از چنین موهبت الهی، موسسه ماهان درصدد برآمده است تا در راستای انتقال دانش و مفاهیم با کمک اساتید مجرب و مجموعه کتب آموزشی خود برای شما داوطلبان ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد گام موثری بردارد. امید است تلاش‌های خدمتگزاران شما در این موسسه پایه‌گذار گام‌های بلند فردای شما باشد. مجموعه کتاب‌های کمک آموزشی ماهان به‌منظور استفاده داوطلبان کنکور کارشناسی ارشد سراسری و آزاد تالیف شده‌اند. در این کتاب‌ها سعی کرده‌ایم با بهره‌گیری از تجربه اساتید بزرگ و کتب معتبر داوطلبان را از مطالعه کتاب‌های متعدد در هر درس بی‌نیاز کنیم.

دیگر تالیفات ماهان برای سایر دانشجویان به‌صورت ذیل می‌باشد.

کتاب‌های سوال و پاسخ تشریحی کنکور مدیریت که شامل سوالات و پاسخ تشریحی چند سال اخیر کنکور سراسری ارشد می‌باشد.

بدین‌وسیله از مجموعه اساتید، مولفان و همکاران محترم خانواده بزرگ ماهان که در تولید و به‌روزرسانی تالیفات ماهان نقش موثری داشته‌اند، صمیمانه تقدیر و تشکر می‌نماییم.

دانشجویان عزیز و اساتید محترم می‌توانند هرگونه انتقاد و پیشنهاد درخصوص تالیفات ماهان را از طریق سایت ماهان به آدرس Entesharatmahan@yahoo.com با ما در میان بگذارند.

موسسه آموزش عالی آزاد ماهان

سخن مؤلف

دنیای امروز دنیای کوچک و پیچیده ای است که هر روز بواسطه سرعت و گستره تغییر و تحول، کوچک تر و پیچیده تر نیز می شود. بشر اکنون شاهد تحولات سریع و گسترده در تمامی ابعاد زندگی در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، تکنولوژی، روابط بین الملل و زیست محیطی است. انجام وظایف دشواری که بر عهده دولت ها گذاشته شده است مستلزم تحمل مخارج سنگینی است که برای تأمین آنها دولت ها بایستی منابع درآمد کافی در اختیار داشته باشند. بررسی مسائل مربوط به درآمدها و مخارج دولت و نتایج حاصل از هر یک، موضوع مالیه عمومی است. مالیه عمومی در مرز اقتصاد و سیاست قرار دارد. بودجه نیز به عنوان یکی از موثرترین و کاراترین ابزار برای ایفای وظایف و اجرای اهداف و سیاست های دولت می باشد.

دروس مالیه عمومی و بودجه به عنوان یکی از دروس تخصصی آزمون کارشناسی ارشد رشته مدیریت در گرایش مدیریت دولتی است. با عنایت به محدود بودن تعداد دروس تخصصی و سوالات هر درس در این گرایش، هریک از سوالات در آزمون از اهمیتی بسیار زیادی برخوردار بوده و کسب نمره مناسب در آنها، نقش تعیین کننده ای در موفقیت در این آزمون دارد. بر این اساس تلاش گردیده تا در این مجموعه مطالب مهم و اساسی این دروس با استفاده از منابع اصلی و کمکی به طور کامل پوشش داده شود و داوطلب با صرف زمان معقول برای مطالعه آن، امتیاز مناسبی در این درس کسب نماید. این کتاب همچنین منبع مناسبی برای دانشجویان در رابطه با واحدهای درسی مالیه عمومی و بودجه بندی دولتی می باشد. این کتاب مشتمل بر دو بخش ۱- مالیه عمومی و ۲- بودجه است. در بخش اول به سه فصل مالیه عمومی، درآمدهای عمومی و اصول مالیات ها پرداخته می شود. در بخش دوم به چهار فصل تعاریف و اصول بودجه بندی، مراحل بودجه بندی، مراحل طبقه بندی بودجه و روش های تنظیم بودجه پرداخته می شود. از زحمات بی شائبه همکاران خود در موسسه ماهان به ویژه سرکار خانم بیگی که بنده را در تهیه و تنظیم این مجموعه یاری نمودند، صمیمانه تشکر و قدردانی می نمایم. امیدوارم این اثر که البته عاری از عیب و نقص نیست، یاری گر دانشجویان در فهم مطالب و موفقیت در آزمون کارشناسی ارشد باشد.

با آرزوی توفیق روزافزون
مصطفی ملکی

۸	بخش اول - مالیه
۹	فصل اول - مالیه عمومی
۵۰	سوالات و پاسخ چهارگزینه‌ای تألیفی فصل اول
۵۴	سوالات و پاسخ چهارگزینه‌ای سراسری فصل اول
۶۴	سوالات و پاسخ چهارگزینه‌ای آزاد فصل اول
۶۷	فصل دوم - درآمدهای دولت، مالیات و استقراض
۱۱۲	سوالات و پاسخ چهارگزینه‌ای تألیفی فصل دوم
۱۱۵	سوالات و پاسخ چهارگزینه‌ای سراسری فصل دوم
۱۲۴	سوالات و پاسخ چهارگزینه‌ای آزاد فصل دوم
۱۲۹	فصل سوم - اصول مالیات
۱۴۵	سوالات و پاسخ چهارگزینه‌ای تألیفی فصل سوم
۱۴۹	سوالات و پاسخ چهارگزینه‌ای سراسری فصل سوم
۱۷۱	سوالات و پاسخ چهارگزینه‌ای آزاد فصل سوم
۱۸۳	بخش دوم - بودجه
۱۸۵	فصل اول - تعاریف و اصول بودجه
۲۳۷	سوالات و پاسخ چهارگزینه‌ای تألیفی فصل اول
۲۳۹	سوالات و پاسخ چهارگزینه‌ای سراسری فصل اول
۲۵۰	سوالات و پاسخ چهارگزینه‌ای آزاد فصل اول
۲۵۳	فصل دوم - مراحل بودجه‌بندی
۲۸۹	سوالات و پاسخ چهارگزینه‌ای تألیفی فصل اول
۲۹۲	سوالات و پاسخ چهارگزینه‌ای سراسری فصل اول
۳۰۱	سوالات و پاسخ چهارگزینه‌ای آزاد فصل اول
۳۰۷	فصل سوم - مراحل طبقه‌بندی بودجه
۳۲۲	سوالات و پاسخ چهارگزینه‌ای تألیفی فصل سوم
۳۲۹	سوالات و پاسخ چهارگزینه‌ای سراسری فصل سوم
۳۳۲	سوالات و پاسخ چهارگزینه‌ای آزاد فصل سوم
۳۳۵	فصل چهارم - روش‌های تنظیم بودجه
۳۷۶	سوالات و پاسخ چهارگزینه‌ای تألیفی فصل چهارم
۳۷۸	سوالات و پاسخ چهارگزینه‌ای سراسری فصل چهارم
۳۸۲	سوالات و پاسخ چهارگزینه‌ای آزاد فصل چهارم
۳۸۴	سوالات کنکور سراسری ۹۴ الی ۱۴۰۴
۴۳۶	منابع

بخش اول

عناوین اصلی

♦ فصل اول: مالیه عمومی

♦ فصل دوم: درآمدهای عمومی

♦ فصل سوم: اصول مالیات

فصل اول

مالیه عمومی

- ◈ وظایف عمده دولت ها
- ◈ تعریف مالیه عمومی
- ◈ تعریف مالیه خصوصی
- ◈ تحول مالیه عمومی
- ◈ مباحث اقتصادی فصل
- ◈ هزینه های عمومی
- ◈ بیکاری
- ◈ توزیع درآمد

مالیه عمومی

مسئله حدود وظایف دولت و نقش آن در فعالیت‌های اقتصادی از آنجا مهم است که هر قدر دولتها برابر در جامعه وظایف بیشتری را عهده‌دار گردند و به ویژه در امور اقتصادی مداخله بیشتری کنند، به همان نسبت مالیه عمومی و بودجه اهمیت بیشتری پیدا کرده و دامنه قوانین مالی وسیع‌تر می‌گردد.

برقراری امنیت، نظم و عدالت منشأ اصلی تشکیل دولت بوده و ابتدایی‌ترین وظایف دولتها را در مراحل اولیه تکوین آن تشکیل می‌دهد.

در این باره که دولت در حوزه اقتصادی چه نقشی دارد سه دوره را می‌توان از هم تفکیک کرد که عبارتند از: از قرن ۱۸ با تحولات صنعتی در انگلستان آغاز شد و همراه با اندیشه‌های اقتصاددانان کلاسیک بود. مشخصه اساسی نظام اقتصادی این دوره دخالت محدود دولت در امور اقتصادی است. به طور کلی کلاسیک‌ها میانه خوبی با دخالت دولتها نداشتند و شعاری داشتند می‌گفتند «بگذارید کارها بگذرد، بگذارید انجام دهند».

به تعبیر آدم اسمیت اگر عدم تعادل‌هایی در اقتصاد وجود داشته باشد در داخل نظام اقتصادی دست نامرئی هرگونه عدم تعادلی را به تعادل خواهند رساند.

نظریه کلاسیک که برای دولت یک نقش انفعالی و ناظر قائل بود و وظیفه او را تنها حفظ نظم عمومی و انجام خدمات محدودی می‌دانست به نظریه دولت - ژاندرام معروف است.

دولت در چارچوب نظریات جدید کلاسیک

در چارچوب نظریات جدید کلاسیکی درباره دولت دو دیدگاه لیبرتارین و لیبرالیسم را مورد توجه قرار می‌دهیم. این دو دیدگاه تفکرات خود را بسط یافته نظریات کلاسیک لیبرالیسم می‌دانند. مکتب لیبرتارین، حقوق خصوصی و آزادی‌های فردی را به صورت افراطی مورد توجه قرار می‌دهد و دخالت دولت در امور اقتصادی - اجتماعی را از اساس امری مضر می‌داند. (از جمله مدافعان این نظر هایک و نوزیک هستند) از دید نوزیک دولت همچون نگهبان شب است و هیچ نقش توزیعی ندارد. وی هرگونه بهبود پارتویی (بهبود وضع یک نفر بدون بدتر شدن وضع سایرین) ناشی از دخالت دولت را مذموم می‌داند. از نگاه هایک سه رکن دیدگاه لیبرالیسم عبارتند از: ۱- اولویت آزادی فردی، ۲- ارزش مداری اصول مکانیزم بازار و ۳- پی‌جویی عدالت اجتماعی نه تنها فایده‌ای ندارد بلکه کاملاً مضر است.

در مجموع در بین صاحب‌نظران لیبرالیسم دو قرائت حدی و دو دسته تفکر قابل شناسایی است: ۱- فایده گرایی و ۲- دیدگاه رالسی در دیدگاه نخست که مطلوبیت‌گرایی «بنتام» احیا شده است، کالاها باید به نحوی توزیع شوند که رفاه کل جامعه حداکثر گردد، بیشینه‌سازی در این چارچوب در صورتی انجام می‌پذیرد که کالاها و خدمات به طور کارآ تولید و تخصیص یابند و بر اساسی اصول برابری توزیع شوند. در دیدگاه رالسی، هدف اصلی نهادها و همین طور حقوق طبیعی جامعه عدالت اجتماعی است. عدالت به خودی خود مطلوب است و نهاد در صورتی پایدار خواهد ماند که عادلانه باشد. بر این اساس باید تمام کالاهای اقتصادی، مقامها، فرصتها، مهارتها و ... به طور برابر توزیع شوند و دخالت دولت تا حدی تجویز می‌گردد که رفاه طبقات پایین جامعه را افزایش دهد و اختلاف سطوح درآمدی تحت این شرایط پذیرفتنی است.

دو واقعه انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و بحران بزرگ اقتصادی اروپا و آمریکا (۳۴-۱۹۲۹) سبب شد که دولت در حوزه اقتصادی نقش بیشتری ایفا کند.

در این دوره که نظریه کلاسیک که برای دولت یک نقش انفعالی و ناظر قائل بود و وظیفه او را تنها حفظ نظم عمومی و انجام خدمات محدودی می‌دانست (نظریه دولت - ژاندرام) متروک شد و نظریه جدیدی جایگزین آن شد که خواستار نقش فعالانه برای دولت بود (نظریه دولت - رفاه اجتماعی).

کتاب نظریه بیکاری پیگو، به کینز امکان داد که از آن، به عنوان یک متن اقتصاد کلاسیک نمونه استفاده کند و اقتصاد کلاسیک را مردود بداند. پیگو در پایان عمر، متواضعانه اعتراف کرد که کینز تا حدود زیادی در رد نظریه اقتصاد کلاسیک محق بوده است.

آنچه کینز از کتاب نظریه بیکاری پیگو استنباط کرده، همانی نیست که منظور نظر پیگو بوده است. به خصوص پیگو نگفته که تنها چهره "بحران بزرگ" دهه ۱۹۳۰، پایین آوردن دستمزدها بوده است. پیگو هم مثل کینز معتقد بود که دستمزدهای واقعی را عملاً نمی‌توان خیلی پایین آورد و نیز امور عمومی را چاره‌ای برای رفع بیکاری می‌دانست.

رویکرد نئوکلاسیک

این رویکرد در محافل آکادمیک، جریان مسلط فکری تلقی می‌شود و خود را بیش از دیگران به نظریه لیبرالیسم کلاسیک وفادار می‌داند. نقطه آغازین نظریه دولت نئوکلاسیک در قضیه بنیادین «اقتصاد رفاه» است. نخستین قضیه اقتصاد رفاه مدعی است که با فرض برقراری شروط رقابت کامل، فقدان کالاهای عمومی و آثار خارجی (منفی یا مثبت) و اطلاعات کامل، اگر تعادل عمومی وجود داشته باشند، بهینه (کارآیی) پارتو برقرار می‌شود.

دومین قضیه به تبیین حدود وظایف و دخالت دولت می‌پردازد. بر اساس آن دولت در شرایطی مجاز به دخالت است که باعث انحراف در کارکرد کارگزاران (عوامل) اقتصادی نگردد و این از طریق اخذ مالیاتهای مقطوع و پرداختهای انتقالی صورت می‌پذیرد. بر این اساس، یکی از دلایل شکست بازار عدم تولید کالاهای عمومی است. چرا که این کالاها نه قابل قیمت‌گذاری هستند و نه منافع آن تخصیص می‌پذیرد و به ناچار پدیده استفاده مجانی ظاهر می‌شود. نظام حقوقی، دفاع ملی و دولت کارآمد، جملگی از مصادیق کالاهای عمومی هستند. در کل در این نظریه اصل بر نظام بازار و کارآمد بودن آن است و دخالت دولت در موارد خاص و به صورت تدریجی مجاز شمرده می‌شود و حدود آن، عمل در راستای تصحیح انحراف بازار از کارآیی، در تخصیص منابع است و یگانه هدف دولت باید بیشینه‌سازی رفاه کل جامعه باشد.

جان مینارد کینز با انتشار کتاب خود بنام تئوری عمومی اشتغال بهره و پول در سال ۱۹۳۶ اساس نظریه کلاسیک‌ها را به باد انتقاد گرفت. محور اصلی نظریات کینز به گسترش دامنه فعالیت دولت در امور تولیدی و اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های دولت برای رسیدن به سطح اشتغال کامل قرار داشت.

در ربع پایانی قرن ۲۰ دوباره جهت و بازگشتی به سوی اندیشه‌های دوره اول به وجود آمد و رویکرد سوم به نئولیبرالیسم ظهور شد. یعنی در فکر کاهش دخالت‌های دولت در فعالیت‌های اقتصادی و متعاقباً خصوصی‌سازی مؤسسات تولیدی و تجارت تحت کنترل دولت افتادند.

ناتوانی نظام‌های سوسیالیستی در پاسخگویی به خواسته‌ها و تقاضای مصرفی افراد به علاوه ناتوانی دولت‌های رفاه در حل معضل رکود - توری در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری زمینه را برای احیای رویکرد لیبرالیسم در قالب‌های فکری جدید فراهم کرد. دهه ۱۹۹۰ را می‌توان دهه خصوصی‌سازی و گرایش به اقتصاد بازار نام‌گذاری می‌کرد. در این دوره مشخص شد که تکنوکرات‌ها هستند که تصمیم می‌گیرند و سپس برای تصمیمات خود توجیه اقتصادی ارائه می‌نماید با این همه هنوز سایه سنگین دولت بر سر اقتصاد کشورهای در حال توسعه احساس می‌شود.

دلایل شکست بازار

۱- شکست رقابت: برای عملکرد بهینه بازار باید رقابت کامل باشد. یعنی باید تعداد بنگاه‌ها به قدر کفایت زیاد باشد، به گونه

ای که هریک از معتقد باشند تأثیری بر قیمت‌ها ندارند. کالاهای عمومی

۲- پیامدهای خارجی

۳- بازارهای ناقص: کالاها و خدمات عمومی محض تنها کالاها و خدماتی نیستند که بازارهای خصوصی از فراهم کردن میزان کافی آنها ناتوانند. هر وقت بازارهای خصوصی در فراهم کردن کالا یا خدمتی شکست بخورند، حتی با وجود اینکه هزینه فراهم کردن آن از مقداری که افراد مایل به پرداخت هستند، کمتر است، نوعی شکست بازار وجود دارد که در اقتصاد با عنوان بازارهای ناقص به آن اشاره می‌گردد. (زیرا یک بازار رقابت کامل همه کالاها و خدماتی را که هزینه تهیه آنها کمتر از میزانی است که افراد تمایل به پرداخت آن دارند، فراهم خواهد کرد).

۴- کاستی‌های اطلاعات: شماری از فعالیت‌های دولتی به جهت وجود اطلاعات ناقص در بخش مصرف‌کنندگان توجیه پذیر است، البته با این اعتقاد که بازار به خودی خود اطلاعات بسیار اندکی را عرضه خواهد کرد. اطلاعات از بسیاری جهات یک کالای عمومی شمرده می‌شود. بازار خصوصی اغلب عرضه ناکافی اطلاعات را فراهم خواهد کرد، درست همان طور که دیگر کالاهای عمومی را به میزان ناکافی عرضه می‌کند.

۵- بیکاری، تورم و عدم تعادل

نکته: دلیل اصلی ناتوانی بازار در تخصیص کالاهای اجتماعی این است که ضرورت کالاهای اجتماعی به طور دسته جمعی احساس می‌شود و حال آنکه ضرورت کالاهای خصوصی به صورت فردی احساس می‌گردد و بازار در تخصیص کالای خصوصی که به صورت فردی احساس می‌شود مؤثر است.

اعمال دولت

۱- اعمال حاکمیت: این مرحله را می‌توان مسئولیت سیاسی - اجتماعی - اقتصادی دولت دانست و لزوماً فلسفه‌ی وجودی دولت و حکومت را تشکیل می‌دهد. دفاع، امنیت و ... این گونه اعمال دولت را نمی‌توان مانند شرکت‌های سهامی و بازرگانی اداره نمود.

۲- اعمال تصدی‌گری: وظیفه اصلی دولت نمی‌باشد بلکه به منظور رفاه اجتماعی و مصالح عمومی تصدی این امور را به عهده می‌گیرد و به صورت موقتی دولت آنها را انجام می‌دهد و قابل واگذاری به بخش خصوصی است. از این اعمال به عنوان مسئولیت‌های مدنی یاد می‌شود. تأمین آب، برق، تلفن. عمده‌ترین هدف خصوصی‌سازی کاهش تصدی‌گری دولت است.

منشأ اصلی تشکیل دولت و ابتدائی‌ترین وظایف دولتها

۱- برقراری امنیت

۲- نظم

۳- عدالت

و از نظر سنت اگوستین از دولت «عدالت» برداشته شود هیچ فرقی بین دولت و یک دسته دزد نیست زیرا گروه دزدان نیز دارای رئیس و فرمانروایی هستند.

تعریف مالیه عمومی

مالیه عمومی بررسی عملیات و فعالیت‌های مربوط به چگونگی انجام هزینه‌های دولت‌ها، روش‌های جمع‌آوری درآمدها و چگونگی نحوه اداره وجوه و منابع مالی است.

موضوع مالیه عمومی عبارتست از بررسی و تجزیه و تحلیل اثرات فعالیت‌های دولت بر رفتار و رفاه مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و یا بررسی مسائل مربوط به درآمدها و مخارج دولت و نتایج حاصل از هر یک از آنها.

تعریف اقتصادی مالیه عمومی

مالیه عمومی عبارت است از بررسی انتقادی عملیات و فعالیت‌های مربوط به چگونگی انجام هزینه‌های دولت، روش‌هایی که دولت در کسب وجوه مورد نیاز خود به کار می‌برد و چگونگی نحوه اداره وجوه و منابع مالی دولت. مالیه عمومی شاخه‌ای است از علم اقتصاد که موضوع آن عبارت است از تجزیه و تحلیل درآمدها و هزینه‌های عمومی و آثار آن.

اهداف اقتصادی مالیه عمومی

رشد و توسعه اقتصادی هماهنگ
توازن تراز پرداخت‌ها (توازن صادرات و واردات)
عدالت اقتصادی و اجتماعی

اهداف اجتماعی مالیه عمومی

تأمین خدمات اجتماعی
رفاه و سود اجتماعی

مشخصات مالیه عمومی

- ۱- هدف دولت‌ها کسب سود نمی‌باشد و در اقدامات خود به منافع فرد یا دسته خاصی توجه ندارند.
- ۲- همه افراد جامعه از اقدامات دولت بهره‌مند می‌شوند.
- ۳- انجام وظایف دولت به طور مداوم و به صورت مستمر ادامه دارد.
- ۴- دولت‌ها برای به دست آوردن درآمد جهت تأمین هزینه‌های عمومی از قوه قهریه استفاده می‌کنند و دولت می‌تواند افراد را به پرداخت مالیات مجبور سازد.
- ۵- در مالیه عمومی هدف دولت این نیست که اضافه درآمدی داشته باشد و یا در مصارف خود آزادی عمل داشته باشد، در مالیه عمومی نه چنین آزادی وجود دارد و نه چنین هدفی، هدف دولت کسب حداکثر منفعت اجتماعی است.

بخش‌های عمده مالیه عمومی

عبارت است از: ۱- هزینه‌های عمومی ۲- درآمدهای عمومی و سرمایه‌گذاری‌های دولت ۳- اداره امور مالی شامل بودجه‌بندی، حسابرسی و حفاظت از وجوه در اختیار دولت و همچنین استقراض دولتی

نکته: مهم‌ترین هدف مالیه عمومی تأمین ثبات اقتصادی است.

قانون طلایی سرمایه عمومی: سهم بدهی و دیون دولتی نباید از سرمایه‌گذاری خالص دولتی تجاوز نماید.

تحول مالیه عمومی

الف) مالیه عمومی غیرفعال

ب) مالیه عمومی بی‌طرف: علمای اقتصادی پیرو مکتب کلاسیک و فیزیوکرات‌ها معتقد به عدم مداخله دولت در امور اقتصادی (دولت شب‌پا) بودند و بهترین دولت را کوچک‌ترین دولت می‌دانستند. در این تفکر، بودجه‌ها باید متعادل باشد؛ یعنی: درآمد=هزینه.

آدام اسمیت وظایف دولت را به سه دسته تقسیم می‌کند:

- ۱- حفظ جامعه از حمله خارجی (حفظ امنیت)
 - ۲- ایجاد سازمان‌های قضایی (تأمین عدالت)
 - ۳- انجام آن گروه از فعالیت‌هایی که بخش خصوصی قادر به انجام آن نیست.
- استوارت میل نیز همانند آدام اسمیت معتقد است که در فعالیت‌های اقتصادی، «آزادی اقتصاد» یک اصل می‌باشد، و هرگونه انحراف از آن مگر به خاطر ضرورت خاصی، نادانی خواهد بود. او به پیروی از اسمیت، معتقد به شرایط ویژه‌ای است که فاصله‌گیری از اصل «اقتصاد آزاد» را ممکن می‌سازد. این موارد خاص، از دیدگاه استوارت میل به دو گروه تقسیم می‌شوند، که یکی از موارد «معمولی» و دیگری «انتخابی» است. آنچه او موارد معمولی می‌داند مشابه نظر آدام اسمیت در حفظ امنیت زندگی، مالی و غیره است که برای عملکرد سیستم اقتصاد آزاد ضرورت دارد. اما او در معرفی فعالیت‌های انتخابی از نظریه اسمیت نیز فراتر رفته و قائل به اعمال هزینه‌هایی از طرف دولت است که صرفاً برای جلب رضایت و اعتماد عمومی می‌باشد. این فعالیت‌ها، از برقراری معیارهای اندازه‌گیری گرفته تا تولید آسفالت و روشن کردن خیابان‌ها و جاده‌ها و ایجاد بندرها و چراغ‌های دریایی و امثال آن گسترش می‌یابد.

در اواخر دهه ۱۸۸۰ اقتصاددانانی چون «ساکس»، «مازولا» و «پنتلئونی» و دیگران، پایه جدیدی برای نظریه پردازی اقتصادی و به ویژه اقتصاد بخش عمومی تشکیل دادند. اساس نظریه جدید به این صورت بود که با فرض معلوم بودن ترجیحات مصرف‌کنندگان برای رسیدن به حداکثر رفاه برای هر فرد، باید مطلوبیت نهایی برابر با قیمت قرار گیرد. این قانون «کارایی اقتصادی»، هم در مورد کالاهای خصوصی و هم کالاهای عمومی صادق است-البته با توجه به تفاوتی که ناشی از نهاد این دو گروه کالاها و خدمات می‌باشد، در مورد کالاهای خصوصی، کالاها در قیمت یکسان از طریق بازار فروخته می‌شوند و مصرف‌کنندگان برابری قیمت و مطلوبیت نهایی را از طریق تطبیق مقدار کالاها فراهم می‌نمایند، در حالی که در مورد کالاهای عمومی معمولاً مقدار ثابتی از کالا و خدمت در مقابل هر مصرف‌کننده قرار دارد. در نتیجه، مطلوبیت نهایی مقادیر یکسان کالا برای افراد مختلف متفاوت خواهد بود و برابری قیمت و مطلوبیت نهایی برای کالاهای عمومی، منجر به تفاوت قیمت برای استفاده‌کنندگان می‌گردد، از اینجا است که مالیات بر اساس فایده به عنوان یک قاعده در اقتصاد بخش عمومی مطرح می‌گردد.

ج) مالیه عمومی مثبت

در این تفکر، دولت نقش فعال و مثبتی در فعالیت‌های اقتصادی دارد. (دولت رفاه) با شکست عقاید کلاسیک‌ها در تأمین رفاه اقتصادی و اجتماعی برای جامعه و وقوع بحران بزرگ اقتصادی دنیا (۳۳ - ۱۹۲۹) و نیاز به دخالت دولت‌ها در مهار بحران نظرات علمای اقتصاد جدید مانند کینز در مورد عدم‌توانایی سیستم اقتصاد سرمایه‌داری در تضمین حداکثر رفاه اقتصادی و اجتماعی برای جامعه ظهور کرد و مالیه عمومی همگام با افزایش وظایف دولت و اهمیت آن نقش مثبت و فعالی در فعالیت‌های اقتصادی یافته است.

اقتصاد ارشادی = دولت با استفاده از ابزار بودجه، به تنظیم و کنترل و ارشاد اقتصاد می‌پردازد.

$$\left. \begin{array}{l} \text{درآمد} \\ \text{سایر منابع تأمین اعتبار} \end{array} \right\} \text{در این دیدگاه، هزینه} = \text{منابع مالی}$$

یعنی دولت برای تأمین هزینه‌های خود می‌تواند استقراض کند که این عمل، خود دارای آثار اقتصادی می‌باشد که قابل بررسی است. قرضه به‌عنوان آخرین راه تأمین کمبود درآمدهای دولت نه تنها یکی از وسایل اجرای سیاست مالی دولت است وظیفه مهمی را نیز در سیستم پولی و کنترل حجم اعتبارات بر عهده دارد.

➤ ویژگی‌های مالیه عمومی از دیدگاه کلاسیک‌ها (بسیار مهم)

حفظ توازن بودجه / حفظ بودجه در حداقل / اقتصاد رقابتی - آزاد / عدم کسری بودجه / تعادل همیشگی و نرخ رشد ثابت پول / عدم دخالت دولت در اقتصاد / کشش انتظاری قیمت برابر یک / قیمت و دستمزد انعطاف پذیر / تأکید بر مالیات بر مصرف / عدم توهم پولی / طرفداران اقتصاد عرضه / نفی استقراض / لزوم بازگرداندن فوری بدهی‌ها / تقاضای پول با بهره رابطه ندارد.

➤ ویژگی‌های مالیه عمومی از دیدگاه نئوکلاسیک‌ها (بسیار مهم)

عدم ضرورت همیشگی حفظ بودجه در حداقل ممکن و حفظ توازن در بودجه / اقتصاد ارشادی (نقش مهم دولت) / تعادل امری نادر و آرمانی است / کشش انتظاری قیمت بزرگ‌تر از یک / طرفدار اقتصاد تقاضا / تأکید بر جنبه‌های منفی مالیات بر مصرف / تأکید بر سیاست کسری بودجه / قیمت و دستمزد بدون انعطاف / وجود توهم پولی / تقاضای پول با بهره رابطه عکس دارد.

نئو کلاسیک‌ها (کینزین‌ها)	کلاسیک‌ها
تعادل در اشتغال کامل - ناقص - اشباع شده	تعادل بودجه در اشتغال کامل
اقتصاد ارشادی	اقتصاد رقابتی - آزاد
تعادل امری نادر و آرمانی است.	تعادل همیشگی و نرخ رشد ثابت پول
کشش انتظاری قیمت بزرگ‌تر از یک	کشش انتظاری قیمت برابر یک
تأکید بر جنبه‌های منفی مالیات بر مصرف	تأکید بر مالیات بر مصرف
طرفدار اقتصاد تقاضا	طرفدار اقتصاد عرضه
عدم حفظ بودجه در حداقل	حفظ بودجه در حداقل
تأکید بر سیاست کسری بودجه	عدم کسری بودجه
طرفدار اصل صلاح دید	طرفدار اصل قاعده
دولت فعال و مداخله‌گر در امور	(عدم دخالت دولت) دولت غیر فعال
سفته‌بازی پول را قبول دارند.	سفته‌بازی پول را قبول ندارند.
کشش تقاضای پول نسبت به بهره بی‌نهایت است (دام نقدینگی)	کشش تقاضای پول نسبت به بهره صفر
تقاضای پول با بهره رابطه عکس دارد.	تقاضای پول با بهره رابطه ندارد.
تورم و بیکاری با هم رابطه‌ای عکس دارند.	هیچ رابطه‌ای بین بیکاری و تورم نیست.
قیمت و دستمزد بدون انعطاف	قیمت و دستمزد انعطاف‌پذیر
وجود توهم پولی	عدم توهم پولی
بیکاری غیرارادی وجود دارد.	بیکاری غیر ارادی وجود ندارد.
طرفدار نظریه ضریب سرمایه‌گذاری است. (درآمد ملی به ضریب سرمایه‌گذاری ملی بستگی دارد). سرمایه‌گذاری ملی (سرمایه‌گذاری خصوصی و دولتی)	نیاز به سرمایه‌گذاری دولتی نیست.

(نکات)

- کینر با رد قانون بازارهای ژان باتیست سی (از اقتصاددانان کلاسیک)، مفهوم عدم تعادل در اقتصاد کلان را امری طبیعی و عادی تلقی می‌کند. از نظر وی در اقتصاد، تعادل در سطح کلان فقط می‌تواند به صورت تصادفی به وجود آید؛ بنابراین در اغلب مواقع، اقتصاد ممکن است با شرایط عدم تعادل (بیکاری و تورم) مواجه شود؛ در نتیجه دخالت دولت در اقتصاد، برای از بین بردن عدم تعادل و هدایت اقتصاد به سمت اشتغال کامل و ثبات قیمت‌ها لازم است.
- از نظر کینز، عدم تعادل در اقتصاد، به علت نابرابری تقاضا و عرضه کل به وجود می‌آید. وی برای رسانیدن اقتصاد به وضعیت تعادل، تمرکز اصلی خود را بر «تقاضای کل» و سیاست‌هایی که باعث تعدیل و تغییر در تقاضای کل شوند معطوف کرده است.

به همین دلیل، الگوی کینز را الگوی مدیریت تقاضا می نامند. به عبارت دیگر، وی علت اصلی رکود اقتصادی را کمبود تقاضای کل، و علت ایجاد تورم را در نتیجه مازاد تقاضای کل می داند.

- **توهم پولی:** وقتی است که رفتار تصمیم گیرنده تحت تاثیر متغیر اسمی (مثل حجم پول) است.
- **عدم توهم پولی:** وقتی است که رفتار تصمیم گیرنده تحت تاثیر متغیر حقیقی (مثل اشتغال و تولید ملی) است.
- اگر توهم پولی نباشد و انعطاف پذیری دستمزدها هم وجود نداشته باشد، عرضه کل عمودی می شود.
- کلاسیک ها معتقدند که تغییر متغیر اسمی نمی تواند متغیر حقیقی را تغییر دهد.
- کینزین ها معتقد هستند که متغیر حقیقی علاوه بر اینکه تابعی از متغیر حقیقی است، تحت تاثیر متغیر اسمی هم می باشد.
- کلاسیک ها معتقدند که تقاضای پول به بهره بستگی ندارد یعنی کشش تقاضای پول نسبت به بهره صفر است.
- در دام نقدینگی کشش تقاضای پول نسبت به نرخ بهره بی نهایت است یعنی تقاضای پول افقی است.
- **سفته بازی:** به فعالیت هایی گفته می شود که بخواهیم از نوسانات قیمت در طول زمان سود به دست آوریم. لازم به ذکر است که تقاضای سفته بازی پول با نرخ بهره رابطه عکس دارد.
- **دام نقدینگی:** اگر نرخ بهره خیلی کاهش یابد، تقاضای سفته بازی تا بی نهایت می شود، به این عمل دام نقدینگی گویند.
- تولید ناخالص ملی مجموع ارزش کالاها و خدمات سالانه ی تولیدی در یک کشور است و از آن به عنوان میانگین درآمد شهروندان یک ملت یاد می شود.
- در محاسبه ی تولید ناخالص ملی درآمد افراد خارج از کشور که به کشور بار فرستاده می شوند. (مثل سرمایه گذاری ها) با تولید ناخالص داخلی جمع می شود و درآمد افراد خارجی مقیم آن کشور که درآمد خود را خارج می فرستند از آن کاسته می شود.

$$GNP = C + I + G + (X - M)$$

(صادرات منهای واردات) + مخارج دولت + سرمایه گذاری + هزینه های مصارف شخصی = تولید ناخالص ملی

- با توجه به فرمول های بالا با افزایش هر کدام، تولید ناخالص داخلی و ملی افزایش می یابند.
- افزایش دخالت دولت در اقتصاد سهم دولت را در تولید ناخالص داخلی افزایش می دهد.
 - مالیه تبعی عبارت است از تبعات تجزیه و تحلیل های کینز در اقتصاد می باشد. اصل پایه در مالیه تبعی این است که مالیه عمومی باید به عنوان ابزاری جهت دستیابی به اهداف اصلی اقتصادی و اجتماعی مد نظر قرار گیرد.

تعریف مالیه خصوصی

بحث در مورد اصول، قواعد و وسایل تهیه درآمد به منظور تأمین هزینه های واحدهای بخش خصوصی اقتصاد است که اداره آن بر طبق اساسنامه آن مؤسسه، با تشکیلات مخصوص به آن صورت می گیرد. هدف مالیه خصوصی کسب حداکثر سود ممکن است.

ویژگی ها و مشخصات مالیه خصوصی

- ۱- هدف اصلی آن تحویل حداکثر سود است.
- ۲- شرکت ها و مؤسسات خصوصی دارای اهداف بلند مدت هستند اما به طور کلی هدف اصلی آن کسب سود است.
- ۳- فعالیت آن ها هر چقدر هم که وسیع باشد مربوط به عده مشخصی از افراد اجتماعی است.
- ۴- درآمد شرکت های خصوصی در درجه اول از محل فروش کالا و خدمات به دست می آید.

۵- در مالیه خصوصی رئیس مؤسسه در مصارف خود آزادی عمل دارد و احتیاجات خود را درجه بندی می کند و امکانات خود را می سنجد.

وجوه تشابه مالیه عمومی و مالیه خصوصی

- در هر دو، مساله موازنه دخل و خرج (درآمد و هزینه) مطرح است.
- در هر دو، مساله حداکثر کردن منافع با استفاده از حداقل منابع مورد توجه است.
- در هر دو، مساله استقراض برای پوشاندن شکاف دخل و خرج جاری، امری ضروری است.
- در هر دو، می توان از راه افزایش مخارج سرمایه گذاری به افزایش درآمد، دست یافت.

وجوه تفاوت مالیه عمومی و مالیه خصوصی

- در مالیه خصوصی، هزینه ها باید با درآمد هماهنگ شوند درحالی که در مالیه عمومی در اکثر مواقع، درآمدها با هزینه ها هماهنگ می شوند؛ یعنی دولت ابتدا خرج می کند و سپس به تعدیل درآمد خود با مخارج خویش می پردازد. اما افراد نوعاً مخارج خود را با درآمدها تطبیق می دهند.
- مهم ترین تفاوت بین مالیه عمومی و خصوصی مسأله اختیار و توانایی در اعمال قوه قهریه برای تحصیل درآمد توسط دولت می باشد. با این توضیح که دولت تنها دستگاهی است که مجاز و محق است تا قسمتی از درآمد و یا دارایی افراد را به خود انتقال دهد در صورتی که هیچ و یا دو دستگاهی در قلمرو مالیه خصوصی این قدرت را ندارد.
- در مالیه خصوصی، الزامی ندارد که بودجه ها سالیانه تنظیم شوند درحالی که در مالیه عمومی، بودجه های دولتی نوعاً سالیانه تنظیم می شوند.
- در مالیه خصوصی، تنها از طریق تأمین منابع مالی، استقراض بیرونی است درحالی که در مالیه عمومی از روش های استقراض درونی هم می توان بهره گرفت.
- مالیه خصوصی از امتیاز خاص «سیاست کسر بودجه» برخوردار نمی باشد.
- هدف مالیه خصوصی، حداکثر کردن رضایتمندی یا سود بنگاه در رابطه با استفاده از مقادیر مشخص از عوامل است، درحالی که هدف مالیه عمومی، تحصیل حداکثر سود اجتماعی است که در سیمای تحقق اشتغال کامل، توزیع درست تر درآمد و ثروت، رشد و ثبات اقتصادی و نبود آثار تورمی و... ظاهر می شود.
- شعاع زمانی و مخاطره در مالیه خصوصی محدودتر است، درحالی که در مالیه عمومی گسترده تر است.
- بودجه گذاری احتیاطی برای بخش خصوصی هنر به شمار می آید ولی چنین کاری در بخش عمومی ضرورت ندارد.
- مالیه خصوصی تن پوشی رازگونه دارد اعتبار بخش خصوصی به آنچه واقعاً دارد، نیست بلکه به آن چیزی است که به نمایش می گذارد.
- مالیه خصوصی از پشتیبانی قوه مجریه به طور مطلق برخوردار نمی باشد، درحالی که دولت می تواند با وضع قانون، مالیات ها را تغییر دهد و درآمد فزون تری کسب نماید و یا با لغو برخی از قوانین از میزان هزینه هایش بکاهد.
- مالیه خصوصی خطر کمتری نسبت به مالیه عمومی دارد.

نکته: اصل سود نهایی در مورد فعالیت های دولت به اصل مطلوبیت (فایده) نهایی اجتماعی تبدیل می شود.

اصل حداکثر منفعت اجتماعی (MSA(Maximum Social Advantage))

این اصل به اصل حداکثر سود اجتماعی و یا اصل حداکثر رفاه کل هم تعبیر می شود و ستون فقرات و اصل هادی سیاست گذاری دولت و ساخت دهنده مالیه عمومی است. همان طور که هر فردی دوست دارد با استفاده از منابع محدود در اختیار خود بیشترین رفاه را برای خویش تدارک نماید، دولت ها هم باید ضریب یا سود اجتماعی منابع محدود در اختیارشان را حداکثر نمایند. این گفتار کوتاه هم بیان و هم توجیه اصل MSA را در بردارد.

برای تحقق اصل حداکثر ضریب اجتماعی یا اصل MSA تحقق شرایطی باید تحقق یابند که عبارتند از:

۱- هزینه های دولت و مالیات ها باید در حدود مشخصی قرار گیرند.

- ۲- هزینه‌های عمومی باید میان استفاده‌های مختلف به نحو مطلوبی توزیع گردد.
- ۳- منابع مختلف اخذ مالیات را باید چنان تعیین نمود که خسارات حاصل از آن حداقل گردد.

وظایف عمده دولت‌ها (مالیه عمومی)

ماسگریو آن را به سه دسته تقسیم می‌کند:

- تخصیص منابع
- توزیع درآمد و ثروت
- تثبیت اقتصادی

(۱) تخصیص

تهیه کالاها و خدمات اجتماعی یا ترتیب مراحل که از آن طریق کلیه منابع موجود در جامعه به نحو صحیحی برای تولید کالاها و عمومی و خصوصی تقسیم گردند (با در نظر گرفتن فرآیند کارایی). وظیفه تخصیص را می‌توان "تقسیم منابع تولید بین کالاها و خدمات دولتی یا خصوصی و کالاها و خدمات اجتماعی یا عمومی دانست" به نحوی که حداکثر کارایی اقتصادی حاصل شود.

اصول تخصیص عبارتند از:

- * سیاست‌های مالیاتی که ظرفیت مالیاتی اقتصاد را منعکس نماید (درصدی از تولید ناخالص داخلی) و تنزل قیمت‌های نسبی تا حد ممکن.
- * تصمیمات هزینه‌ای که بیشترین کمک را به تدارک کالاها و خدمات عمومی نماید.
- * تمرکززدایی در تصمیم‌گیری بودجه‌ای توأم با کنترل‌های مالی مناسب.

ابزارهای دولت در وظیفه تخصیص

- ۱- بودجه
- ۲- تغییر فعالیت‌های اقتصادی
- ۳- ابزار پولی

چند نمونه از اقدامات دولت در امر وظیفه تخصیص

- ۱- طرح و اجرای برنامه‌ها و پروژه‌های زیربنایی
- ۲- سیاست‌ها و تدبیرهای مالی انبساطی دولت، مانند بخشودگی مالیاتی
- ۳- هزینه‌های زیربنایی و سرمایه‌گذاری در کشور
- ۴- دادن سوبسیدها، تسهیلات گمرکی و بانکی به رشته خاص تولیدی
- ۵- تولید کالاها و خدمات عمومی
- ۶- تولید کالا و خدمات استراتژیک

🔸 نکته: بودجه‌بندی یک کارکرد تخصیصی است.

(۲) توزیع

عبارت است از تعدیل توزیع درآمد و ثروت. تولید کالاها و خدمات اجتماعی با توجه به نیازها و رجحان مصرف‌کنندگان صورت می‌گیرد. تعیین این اولویت‌ها مرتبط با وظیفه توزیع است. توزیع درآمد و ثروت قبل از هر چیز به توزیع قابلیت عوامل وابسته است و توزیع درآمد براساس توزیع قابلیت عوامل بر مبنای قیمت گذاری عوامل تعیین می‌شود. اصل و قاعده در توزیع درآمد آن است

که در آن مسئله برابری یا توزیع عادلانه درآمد به طور نسبی برقرار گردد، ایجاد برابری مطلوب وظیفه توزیعی بخش عمومی را تشکیل می‌دهد، به طوری که پاره تو اقتصاددان ایتالیایی گفته است: وضعیت اقتصادی و رفاه جامعه، فقط و فقط زمانی افزایش می‌یابد که لااقل وضعیت اقتصادی یک فرد در جامعه بهبود یابد.

اصل توزیع ایجاد تغییرات در سیاست مالی و هزینه‌ای در راستای خط مشی‌هایی که افراد فقیر منتفع شوند، است. وظیفه توزیع درآمد و ثروت ریشه در تاریخ و فرهنگ کشور دارد.

➤ توزیع درآمد در اقتصاد بازار (اقتصاد بازار)

در اقتصاد باز، توزیع درآمد با توزیع مالکیت عوامل تولید ارتباط دارد. در اقتصاد بازار درآمدی که هر فرد به دست می‌آورد برابر با ارزش تولید نهایی او می‌باشد. مثلاً دستمزد که همان درآمد کارگران است برابر با ارزش تولید نهایی نیروی کار می‌باشد. در یک بازار رقابتی، ارزش بازده عوامل با ارزش تولید نهایی آن برابر می‌شود بنابراین توزیع درآمد بین افراد به عرضه عوامل و قیمتی که در بازار دارند، بستگی دارد.

نکته: هدف وظیفه توزیع درآمد و ثروت، بهینه سازی سامانه‌های اقتصادی است.

وظیفه توزیع به دو دسته توزیع اولیه و توزیع مجدد تقسیم می‌شود که توزیع اولیه پیامد فعالیت‌ها و فعل و انفعالات اقتصادی و بازار و توزیع ثانویه (مجدد) از طریق مالیات‌های تصاعدی و انتقال مالیات صورت می‌گیرد.

روش توزیع مجدد اغلب به صورت انتقال مالیات انجام می‌پذیرد. همچنین ممکن است با وضع مالیات‌های تصاعدی، به توزیع مجدد کمک شود. راه دیگر که برای توزیع مجدد می‌توان انتخاب کرد، وضع مالیات‌های عمومی به منظور تامین مالی خدمات اجتماعی است. می‌توان گفت که توزیع مناسب آن است که در آن مسأله برابری مطرح گردد.

نکته: توزیع مجدد مبتنی بر اصل عدالت (اصل توانایی پرداخت) می‌باشد.

ایجاد برابری مطلوب وظیفه توزیعی بخش عمومی یا دولت را تشکیل می‌دهد، حال این برابری در ۵ حوزه ذیل مطرح است:

- ۱- برابری مخارج عمومی: مخارج عمومی باید به گونه‌ای باشد که بین افراد بهره‌مند از آن کالا و خدمات به صورت مساوی تقسیم شود.
- ۲- برابری در درآمد نهایی: فعالیت‌ها و هزینه‌های دولت به گونه‌ای باشد که درآمد نهایی طبقات پایین‌تر را به درآمد ثروتمندان نزدیک کند.
- ۳- برابری در امکان بهره‌گیری و استفاده از خدمات دولت: مخارج و هزینه‌های دولت برای تدارک کالاها و خدمات اجتماعی باید به گونه‌ای انجام شود که تمام افراد جامعه بهره‌مند از آن خدمات امکان استفاده مساوی را داشته باشند.
- ۴- برابری در هزینه: مخارج دولت‌ها برای تدارک کالا و خدمات باید به گونه‌ای باشد که همه افراد در ازای استفاده از آن کالاها و خدمات بهای یکسان و مساوی پرداخت کنند.
- ۵ - برابری در نتیجه: نتیجه حاصل از یک خدمت اجتماعی خاص برای افراد جامعه یکسان باشد.

• ابزارهای مورد استفاده در جهت توزیع مجدد درآمد

وضع مالیات با نرخ تصاعدی

پرداخت یارانه و یا پرداخت‌های انتقالی (پرداخت یارانه به افراد کم‌درآمد)

نکته: سیاست توزیع مجدد هنگامی موجب کاهش آهنگ رشد اقتصادی می‌شود که انگیزه ابتکار و ابداع را کاهش دهد.

• اثرات و نتیجه توزیع مجدد درآمد

توزیع مجدد درآمد عبارت است از این که دولت مقداری از درآمد افراد پردرآمد را دریافت نموده و آن را عاید اشخاص کم درآمد می کند. این عمل را توزیع مجدد عمودی می گویند. نتیجه حقیقی توزیع مجدد توسط دولت آن است که مالیات دریافتی از همان طبقات کم درآمد تقریباً برابر است با مقداری که عاید آن ها می شود، زیرا اگر مالیات های مستقیم و غیرمستقیمی که دولت از اشخاص کم درآمد دریافت می کند محاسبه کنیم، ملاحظه می کنیم آنچه که بر اثر عملیات و دخالت دولت از طریق کمک های مختلف عاید طبقات کم درآمد شده از مجموع مالیات های پرداختی آن ها کمتر است و یا در همان حدود می باشد. این توزیع درآمد را توزیع مجدد افقی می نامند.

• انتقادات وارده بر توزیع مجدد درآمد

۱- چنین سیاستی طبقات کم درآمد را از کار و فعالیت بیشتر باز می دارد زیرا قسمتی از نیازهای آنان از طریق دولت تأمین می شود. ۲- این سیاست مانع می شود که طبقات درآمد برای آینده صرفه جویی و پس انداز کنند، زیرا بیمه های اجتماعی و مزایای مربوط به ایام بیکاری آن ها از طرف دولت تأمین می گردد. ۳- تأمین بودجه اجتماعی بیشتر به کارفرمایان تحمیل می شود. زیرا مقداری از این مخارج به عهده آنان گذاشته می شود. این عمل باعث می شود که هزینه تمام شده کالاها افزایش یافته و در نتیجه افزایش قیمت کالاها بیشتر به مصرف کنندگان تحمیل می شود که طبقات کم درآمد نیز جزء مصرف کنندگان هستند.

• برای سیاست توزیع مجدد درآمد باید شرایطی زیر را در نظر گرفت:

- ۱- نباید هدف چنین سیاستی برقراری تساوی درآمدها باشد. زیرا عدم تساوی درآمد باعث می شود که کشورها در راه توسعه و پیشرفت اقتصادی قدم بردارند.
- ۲- سیاست توزیع مجدد درآمد به نتیجه نمی رسد، مگر آنکه عملاً قوه خرید از طبقات پردرآمد به طبقات کم درآمد منتقل شود و این عمل از طریق اخذ مالیات از طبقه پردرآمد و توزیع آن بین افراد کم درآمد حاصل می گردد.
- ۳- از سیاست توزیع مجدد درآمد باید انتظار معقول و منطقی داشت، زیرا اگر شاخص افزایش قیمت کالاها بیش از افزایش دستمزدها باشد این دو رقم مساوی نمی شوند مگر این که دستمزدها نیز به همان اندازه افزایش یابد.

۳) تثبیت

وظیفه تثبیت، معطوف به نقش بودجه به عنوان ابزار سیاست کلان اقتصادی است. استفاده از سیاست بودجه ای به عنوان وسیله تأمین اشتغال کامل، تثبیت معقول سطح قیمت ها، تأمین رشد اقتصادی و همچنین کمک به تثبیت موازنه پرداخت ها را دربرمی گیرد.

اصول تثبیت:

- * تأمین مالی غیرتورمی
- * پایداری تصمیمات درآمدی و هزینه ای و تأمین مالی بدهی ها
- * معتبر و قابل شناسایی

➤ نکته: وظیفه تثبیت ریشه در ساختارهای از پیش تعیین شده دولت ها دارد.

در اقتصاد بازار، اشتغال کامل و تثبیت به خودی خود ایجاد نمی شود، مگر اینکه با هدایت دولت و اتخاذ سیاست های مناسب برای ایجاد آن، اقدام شود.

برای انجام وظیفه تثبیت، دولت از چند طریق اقدام می کند. یکی از این روش ها، سیاست مالی است که با تغییر ابزارهای مالی (مانند افزایش یا کاهش نرخ های مالیات یا تغییر در سطح مخارج دولت) انجام و بدین وسیله افزایش یا کاهش در سطح تقاضای کل حاصل می شود.

برای انجام وظیفه تثبیت، دولت از سیاست پولی نیز استفاده می‌کند که عبارت از ایجاد تغییر در هزینه‌ها، فراهم کردن اعتبار و تعدیل موجودی‌ها با تغییر میزان پول می‌باشد.

سطح هزینه‌ها ممکن است در هر دوره برای تضمین اشتغال کامل و سایر مبالغ کافی نباشد، در این صورت اقدامات انبساطی برای افزایش تقاضای کل لازم است. در حالت دیگر، هزینه‌ها ممکن است از تولید موجود تحت شرایط اشتغال بالا فراتر رود و به همین مناسبت به تورم بیانجامد. در چنین وضعی شرایط تحدید کننده برای کاهش تقاضا لازم است.

سیاست‌های پولی و مالی مکمل یکدیگر هستند و اگر ترکیبی صحیح از آنها به کار گرفته شود، نتایج بهتری عاید می‌شود. در زمینه توازن خارجی، سیاست پولی از جهت تأمین موازنه پرداخت‌ها دارای مزایای خاصی است؛ درحالی‌که سیاست مالی در برخورد با نیازهای داخلی موثرتر می‌باشد.

- **نکته:** وظیفه تثبیت اقتصادی یا پایداری اقتصادی با توسل به سیاست‌های پولی، مالی و ارزی انجام می‌شود.
- **نکته:** بی‌اعتمادی به سیاست تثبیت یا ناشی از کالدهای ارزشی رفتاری دولتمردان جامعه و یا ناشی از کالدهای نامعلوم نامرئی سیاست‌های اقتصاد بین‌المللی می‌باشد.
- **نکته:** از آنجا که تمایل نهایی به پس‌انداز گروه‌های پردرآمد بیش از گروه‌های کم‌درآمد می‌باشد، بین هدف توزیع و رشد اقتصادی تضاد وجود دارد.
- **نکته:** اگر موضوع تمرکز و عدم تمرکز مؤسسات مالی را از لحاظ وظایف مالیه عمومی بررسی کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که اجرای وظایف تثبیت و توزیع باید بیشتر به شکل متمرکز صورت گیرد و وظیفه تخصیص (پیش‌بینی تولید کالاها و خدمات اجتماعی) باید به‌طور غیرمتمرکز انجام شود تا با نیازها و امکانات منطقه‌ای همخوانی داشته باشد.

کالاهای عمومی و خصوصی

دو خاصیت عمده بین کالاها و خدمات تمایز ایجاد می‌کند. این دو خاصیت، رقابت‌پذیری و قابلیت تخصیص منافع است. بر این اساس، می‌توان کالاها و خدمات را به چهار دسته عمده تقسیم کرد:

A: کالای عمومی، کالایی است که مکانیزم بازار بر روی آن اثر ندارد و برای عموم ارائه می‌شود و پرداخت هزینه آن شرط استفاده از آن نمی‌باشد.

عموماً، در رابطه با معرفی نظریه کالای عمومی به اقتصاد مدرن، از «پاول ساموئلسن – (Paul Samuelson)» «برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۷۰ میلادی» یاد می‌کنند.

در ادبیات معاصر، کالای عمومی را «غیررقابتی» (Non-rivalry) در نظر می‌گیرند. غیررقابتی بودن یعنی مصرف کالا توسط فرد «الف»، توانایی مصرف آن کالا را بوسیله افراد دیگر، تحت تاثیر قرار ندهد.

چندین سال پس از تعریف ارائه شده توسط ساموئلسون، «ریچارد ماسگریو» (Richard Musgrave) ویژگی دیگری را نیز برای کالای عمومی در نظر گرفت. این ویژگی «غیرقابل استثنا» یا غیرقابل تخصیص (Non-excludability) بودن است.

این نوع کالاها و خدمات رقابت‌پذیر نبوده و خاصیت مصرف هم‌زمان دارند و در مرحله بعد، منافع آن‌ها نیز قابل تخصیص به فرد خاصی نیست. در واقع، خاصیت اصلی این دسته از کالاها و خدمات، عدم رقابت‌پذیری است. این دسته، اگر کالاها و خدمات عمومی را بدون محدودیت عدم رقابت‌پذیری حفظ کنند، کالاها و خدمات عمومی خالص (سره) نامیده می‌شوند. مانند: برنامه‌های تلویزیونی و دفاع ملی. در مورد کالاها و خدمات عمومی، پرداخت بها به‌صورت فردی مطرح نیست بلکه جامعه به‌طور کلی هزینه آن را پرداخت می‌کند و تمام افراد جامعه از آن برخوردارند.

به طور معمول هزینه نهایی بهره مندی یک فرد اضافی از این نوع کالاها صفر است.

به طور کلی، مشخصات اساسی این دسته از کالاها و خدمات به شرح زیر می باشد:

- ۱- **رقابت ناپذیری:** هنگامی که فردی از یک کالای خصوصی که خریداری کرده (یک قرص نان) استفاده می کند فرد دیگری نمی تواند همزمان آن را مصرف کند (یک قرص نان را فقط یک فرد می تواند در آن واحد مصرف کند) اما کالاهای عمومی ممکن است استفاده کنندگان بسیاری به طور همزمان داشته باشد که به این موضوع عدم وجود رقابت در مصرف در کالاهای عمومی گویند.
 - ۲- **عدم استثناء سازی:** نمی توان عده ای را از استفاده از کالاهای عمومی محروم نمود (نمی توان عده ای را از استفاده از روشنی معابر بر توسط چراغ های خیابان محروم کرد)
 - ۳- هزینه نهایی در نقطه مطلوب تخصیص نزدیک به صفر می باشد. (هزینه نهایی = درآمد نهایی)
 - این بدان معنی است که در بخش دولتی پس از سرمایه گذاری اولیه هزینه نهایی کمتری برای تولید واحدهای بعدی لازم است.
 - ۴- لزوم قبول مخاطرات به علت بی اطلاعی از وضعیت بازار
 - ۵- وجود شرایط انحصاری یا کمیابی منابع
 - ۶- کالای عمومی قیمت برابر و مصرف نابرابر دارد.
 - ۷- در تعیین میزان تقاضا برای کالای عمومی از منحنی شبه تقاضا استفاده می شود
- **نکته:** در مورد کالای عمومی خالص هزینه نهایی صفر و یا نزدیک به صفر است.

تولید بهینه کالاهای عمومی

پل ساموئلسن معتقد است که یک سطح بهینه ای در تولید کالاها و خدمات عمومی وجود دارد. برای کالاهای خصوصی منحنی تقاضای بازار جمع افقی منحنی های تقاضای فردی است، در حالیکه برای کالاها و خدمات عمومی منحنی تقاضای کل (فایده نهایی) از جمع عمودی منحنی های تقاضای تک تک اشخاص به دست می آید. به عقیده ساموئلسن، سطح تولید کارآمد کالای عمومی در OG تعیین می شود یعنی در جایی که مجموع فواید نهایی کالای عمومی برای دو شخص استفاده کننده برابر هزینه نهایی تولید است.

B. منظور از کالاها و خدمات خصوصی (ویژگی کالا و خدمات خصوصی) این است که مصرف یک فرد مانع از مصرف دیگران از آن کالا یا خدمات می گردد. تولید کالاهای خصوصی را می توان به عهده بازار واگذار کرد. شرط استفاده از کالا و خدمات خصوصی تغییر مالکیت است لذا تابع شرایط معامله و مبادله است.

به طور کلی، مشخصات اساسی این دسته از کالاها و خدمات به شرح زیر می باشد:

- ۱- قابل تقسیم بودن
- ۲- تاثیر خارجی ناچیز (یا بدون تاثیر خارجی)
- ۳- ثبات یا افزایش هزینه تمام شده در نقطه مطلوب تخصیص (هزینه نهایی = درآمد متوسط)
- ۴- هزینه نهایی در نقطه مطلوب تخصیص بالاتر از صفر می باشد. (هزینه نهایی = درآمد متوسط)
- ۵- قبول خطر معقول یا اندک در نتیجه وجود اطلاعات لازم در وضع بازار
- ۶- عدم وجود شرایط انحصاری یا کمیابی منابع

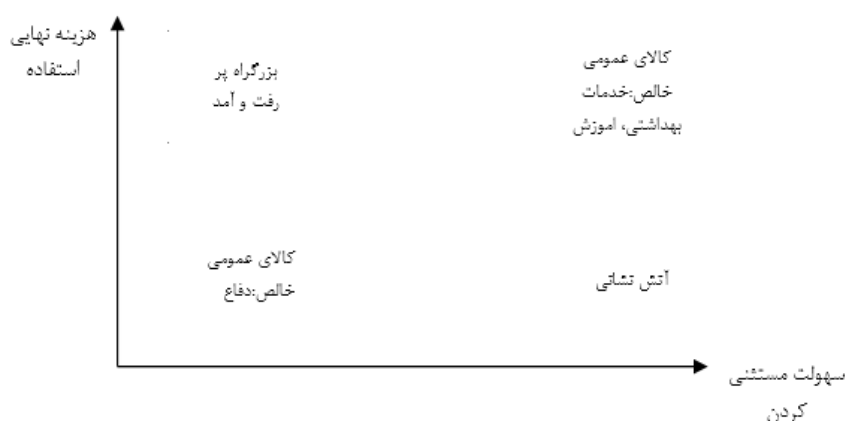
C: کالاها و خدمات شبه خصوصی: کالاها و خدماتی هستند که هرچند در استفاده از آنها نیازی به وجود رقابت نیست ولی با هزینه ای قابل قبول می توان منافع آنها را به فرد یا افراد خاصی تخصیص داد. به عنوان مثال، یک پل قبل از اینکه به مرحله ازدحام برسد، یک کالای عمومی است که افراد یا وسایل نقلیه بدون کاهش یا قطع منافع آن برای دیگران، می توانند از آن بهره مند شوند. حال اگر با قرار دادن یک مانع در یک سمت پل از استفاده آزاد آن ممانعت به عمل آید و فقط به افراد خاصی اجازه عبور داده شود، مشمول

کالاهای گروه شبه خصوصی قرار می‌گیرد. این دسته از کالاها و خدمات دارای صفات مشخصه هر دو بخش خصوصی و عمومی می‌باشند.

D: کالاها و خدمات شبه عمومی: بسیاری از کالاها و خدمات عمومی ظرفیت پذیرش محدودی دارند که پس از رسیدن به چنین ظرفیتی، به تدریج با ورود و استفاده افراد یا گروه جدید، منافع دیگران کاهش یافته و یک نوع رقابت برای بهره‌مندی از آنها ایجاد می‌شود. مانند یک پارک محصور نشده که در شرایط ازدحام استفاده می‌شود و یا بزرگراهی که دچار شلوغی و ازدحام است. این دسته از کالاها و خدمات دارای صفات مشخصه هر دو بخش خصوصی و عمومی هستند.

استثنا ناپذیری	استثنا پذیری	
D	B	رقابت پذیری
A	C	عدم رقابت پذیری

جدول ۱-۱- تقسیم‌بندی کالاها و خدمات



پدیده ازدحام (کالای عمومی ناخالص)

وجود مقیاس اقتصادی در مصرف کالاهای عمومی، این سوال را مطرح می‌کند که آیا این افزایش خالص و مداوم که با زیاد شدن تعداد استفاده کنندگان ایجاد می‌شود، می‌تواند برای کلیه کالاهای عمومی، بدون عامل متوقف کننده ای ادامه داشته باشد؟ جمع آوری چنین افزایشی خالصی در رفاه جامعه، ناشی از امکان استفاده هم زمان مصرف کنندگان است که آن از مشخصات کالاهای عمومی است، ولی تداوم در ایجاد فایده خالص، منوط به این است که وارد شوندگان جدید، کاهش در فایده حاصل از مصرف کالای عمومی را برای دیگران ایجاد نکنند. نکته اخیر با ظرفیت پذیری کالاهای عمومی رابطه مستقیم دارد. در مقابل کالاهای عمومی خالص که مصرف هم زمان آن به وسیله گروهی استفاده کننده، بدون تغییری در فایده کالا، برای دیگران میسر است، می‌توان کالاهای عمومی ناخالص را کالاهای عمومی دانست که به علت محدودیت سطح پذیرش پس از حدی از مصرف هم زمان، افزایش تعداد مصرف کنندگان فقط با کاهش در فایده دیگران ممکن می‌گردد. شاخص ترین مثال ها برای کالاهای عمومی خالص، خدمات شبکه پخش برنامه های رادیو و تلویزیون در دفاع ملی است، و برای کالاهای عمومی ناخالص می‌توان از پل ها، جاده ها و پارک ها نام برد.

هرچند کالاهای عمومی به مقدار برابر در معرض استفاده همه افراد قرار می‌گیرند، ولی اکثراً به طور کامل غیر قابل رقابت نیستند. معمولاً پس از تکمیل یک ظرفیت خاص مصرفی، اضافه شدن هر استفاده کننده دیگر باعث کاهش خدمات حاصل برای همه مصرف کنندگان می‌گردد. در این موارد منافع حاصل از استفاده کالای عمومی برای استفاده کنندگان به تعداد مصرف کنندگان این خدمات عمومی بستگی دارد؛ به عبارت دیگر هر مصرف کننده ای که به گروه مصرف کنندگان پیشین افزوده می‌شود، هزینه ای به صورت کاهش در فایده شان بر آنها تحمیل می‌کند. این هزینه نتیجه ازدحام بوجود آمده در مصرف کالای عمومی است. هر قدر این هزینه ازدحام بیشتر باشد، خاصیت غیرقابل رقابت بودن کالای عمومی بیشتر مختل شده، و ناخالصی آن

افزایش می یابد. پدیده ازدحام در مورد کالاهای عمومی محض (خالص) مانند روشنایی خیابانها (تعداد افراد زیادی از آنها استفاده می کنند و استفاده یک فرد مانع از استفاده دیگری نمی شود) مصداق ندارد و در مورد کالاهای عمومی ناخالص مانند پارک مصداق دارد. پدیده ازدحام برای کالای خصوصی صادق نیست.

کالاهایی مثل استخر، تئاتر، سیرک، جاده، اتوبانها و غیره، وقتی در "مرحله ازدحام" قرار گیرند، نمونه هایی از کالاهای عمومی ناخالص هستند؛ برخی کالاهای دیگر هم وجود دارد که استثنای پذیر ولی رقابت ناپذیر هستند مانند کالاهای عمومی "قبل از ازدحام" (مثل ورزشگاه قبل از پر شدن یا پل قبل از این که به مرحله ازدحام برسد).

کالای عمومی از نظر ملی و محلی

یک طبقه بندی به صورت زیر می تواند تا حدودی کالاهای و خدمات عمومی را از نقطه نظر ملی و محلی بودن معرفی نماید.

- ۱- کالاهای و خدمات عمومی که جنبه ملی دارند.
 - ۲- کالاهای و خدمات عمومی که دو جنبه محلی و ملی را دارا هستند.
 - ۳- کالاهای و خدمات عمومی که به طور عمده فواید محلی دارند.
- گروه اول مانند دفاع ملی، شبکه های سراسری تلویزیون و رادیو، تحقیقات و مطالعات، تنظیم قوانین و مقررات جزایی، تجاری و حکومتی و... از جمله مواردی هستند که فواید آنها شامل کلیه افراد جامعه می شود.
- دسته دیگر شامل مواردی است که کالاهای و خدمات پیآمدهای خارجی مثبت دارند، ولی منافع شخصی (داخلی) آن به وسیله اهالی محلی یا استان جمع آوری می شوند. عمده ترین این موارد شامل خدمات آموزشی و بهداشتی می باشد. به طور کلی آموزش در همه مقاطع پیآمد خارجی مثبت یا فایده ای اجتماعی دارد که این فواید مربوط به کل جامعه می شود (الزاماً این فواید به صورت یکسان توزیع نشده و فایده خارجی محلی آن بیشتر از ملی می تواند باشد)، ولی نحوه ارائه این خدمات به طور عمده محلی و منطقه ای است. در نتیجه فواید شخصی آموزشی به وسیله ساکنین منطقه و محلی جمع آوری شده و برای افراد محلی بهره برداری از فواید محلی عملی تر خواهد بود. از سوی دیگر کمیت و کیفیت آن نیز می تواند بر حسب خواسته و تمایل شخصی متفاوت باشد.

مورد دیگر از این گروه کالاهای و خدمات شامل کلیه کالاهای عمومی است که بهره مندی از فواید آن به صورت یکسان بین اهالی محله و استان و کل جامعه انجام نگرفته و سهم فایده محلی بیشتر از سهم ملی است. مثلاً یک جاده که در امتداد جاده سراسری کشور در یک منطقه یا استان می گذرد، بیشتر مورد استفاده اهالی محلی قرار می گیرد تا کل جامعه. یا اگر سد برای کل جامعه امکان تولید برق فراهم می نماید، برای اهالی منطقه و استان علاوه بر این فایده، می تواند به صورت گردشگاه نیز مورد استفاده قرار گرفته و با جایگاهی برای پرورش و صید ماهی باشد و یا حتی رطوبت ایجاد شده در نتیجه احداث سد مورد بهره مندی قرار گیرد.

دسته سوم از کالاهای و خدمات عمومی مواردی را شامل می شود که تقریباً عمده فواید کالاهای و خدمات جنبه محلی داشته و به وسیله اهالی منطقه و محله جمع آوری می شوند. پارک ها، ایستگاه های آتش نشانی، ایستگاه های محلی و استانی تلویزیون، جاده ها و خیابان های درون شهرها و بین روستاها و شهرهای استان (غیر از آنها که در مسیر جاده های سراسری و ترانزیت قرار دارند)، پلیس و نیروی انتظامی محلی و استانی از این نمونه هستند. در مورد این کالاهای خانوارها تمایل حرکت به سمت مکانی دارند که خدمات موجود در آن و هزینه استفاده از آنها برایشان مطلوب باشد. «تی بوت» معتقد است، در شرایطی که جمعیت کاملاً بدون هزینه، امکان حرکت را داشته باشد، اظهار تمایل افراد و در نتیجه، حرکت آنها به سوی محله های مطلوب، یک مکانیزم تخصیص موثر در جهت تعیین جمعیت مطلوب، مقدار کارآمد کالای عمومی، و وضعیت مناسب برای این جوامع خواهد بود.

کالای عمومی واسطه ای

کالای عمومی واسطه ای کالایی است که به صورت نهاده در تولیدات کالاهای دیگر به کار گرفته می شود، و این خاصیت را دارد که همزمان و بدون رقابت (در شرایطی که ازدحام وجود ندارد)، مورد استفاده قرار گرفته و تخصیص آن بدون هزینه، به تولید کننده خاص عملی نیست.

کالاهای باشگاهی

این کالاها قابل تخصیص هستند اما رقابت‌پذیر به شمار نمی‌روند. برای استفاده از این کالاها، همانند عضویت در یک باشگاه، باید مبلغی بپردازید. بنابراین، می‌توان افرادی که هیچ مبلغی را نپرداخته‌اند، از استفاده از کالا، منع کرد.

از جمله این کالاها می‌توان به شبکه‌هایی در تلوزیون اشاره کرد که برای تماشای آن‌ها باید مبلغی پرداخت شود. برای بکارگیری این کالاها، به پرداختی اولیه نیاز است اما پس از پرداخت آن مبلغ ابتدایی، کالاها غیر رقابت‌پذیر خواهند بود.

کالاهای مشترک

این دسته از انواع کالا در اقتصاد، به علت رقابت‌پذیری و غیرقابل تخصیص بودن، بیش از اندازه مصرف می‌شوند و پدیده‌ای بوجود می‌آید که «تراژدی منابع مشترک» (Tragedy of the Commons) نام دارد.

در این وضعیت، افراد بدون توجه به پیامدهای بلندمدت و تنها با در نظر گرفتن آینده نزدیک، کالاها را به صورت بی‌رویه مصرف می‌کنند. از جمله منابع یا کالاهای مشترک می‌توان به شیلات دریای آزاد، اشاره کرد.

در این آب‌ها، تخصیصی انجام نمی‌شود و افراد بدون محدودیت ماهیگیری می‌کنند و این خطر کمبود این منابع را در آینده، به همراه خواهد داشت.

نکات مهم

- ۱- مکانیسم بازار در تخصیص منابع در مورد کالاهای عمومی، انحصار و پیامدهای خارجی با شکست مواجه می‌شود.
- ۲- کالاهای عمومی محض یا خالص در مصرف بدون رقیب (رقابت ناپذیر) هستند. این سخن بدین معنی است که وقتی کالا تهیه می‌شود هزینه اضافی منبع برای شخص دیگری که از آن کالا مصرف می‌کند صفر است.
- ۳- کالای خصوصی دارای مصرف رقابتی است.
- ۴- کالای عمومی مصرف برابر و قیمت نابرابر دارند.
- ۵- در تعیین میزان تقاضا برای کالای عمومی از منحنی شبه تقاضا استفاده می‌شود.
- ۶- در تعیین بخش و روش‌های تخصیص در کالاهای عمومی معیارهای غیر اقتصادی اهمیت قابل ملاحظه‌ای دارد.
- ۷- در تعیین بخش و روش‌های تخصیص در کالاهای خصوصی و شبه خصوصی و شبه عمومی معیارهای اقتصادی و کارایی فنی اهمیت بسیار دارد.
- ۸- کالای عمومی محلی وجه اشتراک و اختلاف با کالای خصوصی و همین طور با کالای عمومی دارد. تولید بهینه کالای عمومی از طریق جریان سیاسی تعیین می‌شود اما برای کالای عمومی محلی راه حل از نوع بازار مناسب و کارآمد پاره تو را نتیجه می‌دهد.

نظریه پیگو

تحلیل پیگو از تخصیص موثر منابع بین کالاهای عمومی و خصوصی، نتیجه بحث او از اصول برقراری مالیات‌ها می‌باشد. یا به عبارت دیگر، او در بیان اصول تعیین مالیات دهندگان و نرخ‌های مالیاتی، تولید کالاهای عمومی را مطرح می‌کند. پیگو با استفاده از روش مطلوبیت گرایان، فرض می‌کند که مصرف کالاهای عمومی مطلوبیتی را متوجه هر شخص استفاده‌کننده‌ای می‌کند، در حالی که پرداخت مالیات برای جبران هزینه تولید این کالا، باعث کاهش مطلوبیت برای او می‌شود. کاهش مطلوبیت بر اثر پرداخت مالیات، با توجه به مطلوبیت از بین رفته حاصل از دست دادن کالاهای خصوصی، اندازه‌گیری می‌شود. برای هر شخص مقدار کارآمد عرضه کالاهای عمومی، در جایی است که مطلوبیت نهایی حاصل از مصرف کالای عمومی، برابر کاهش در مطلوبیت نهایی پرداخت مالیات باشد.

نظریه پیگو بر اساس «مفهوم اندازه‌گیری کاردینال از مطلوبیت» قرار دارد. همچنین هرچند برای هر شخص امکان تخصیص بودجه بین کالاها و خدمات خصوصی و عمومی به صورت کارآمد وجود دارد، ولی جمع‌بندی این شرایط بهینه برای تمام افراد موجود نیست، مگر اینکه کلیه افراد، مشابه یکدیگر تصور شوند؛ در این صورت تخصیص موثر منابع در تولید کالاهای عمومی، در

جایی تعیین می شود که مطلوبیت نهایی اجتماعی حاصل از تولید کالای عمومی، با کاهش مطلوبیت نهایی اجتماعی پرداخت مالیات برابر گردد.

با وجود تلاش پیگو، این الگو، دارای مشکلاتی بود. یکی از مشکلات این بود که تجزیه و تحلیل وی بر مبنای مطلوبیت عددی بود؛ دوم این که اگر چه در قالب آن، فرد می توانست بودجه اش را به طور کامل بین کالای عمومی و خصوصی تخصیص دهد، اما مکانیسمی وجود نداشت که طی آن، تخصیص مذکور برای کل جامعه صورت گیرد.

دکترین مطلوبیت نهایی

این دکترین بوسیله پرفسور پیگو (pigou) چنین تشریح شده است. همچنان که یک فرد می خواهد با حفظ تعادلی بین اقلام مختلف هزینه، حداکثر رضایتش حاصل شود. جامعه نیز از طریق دولت چنین انتظاری دارد. منابع دولتی باید چنان بین نیازهای مختلف توزیع شود که رضایت نهایی حاصل از آنها یکسان باشد برای تعیین نحوه تخصیص منابع مالی بین هزینه دفاعی و هزینه رفاهی باید ارزش نسبی نتایج به دست آمده از هر یک از آنها سنجیده شود. براساس مطلوبیت (رضایت) نهایی دولت به نیابت از مردم موظف است درآمدهای مالیاتی خود را بین انواع مختلف هزینه های خود، اولاً در بخش هایی صرف کند که هر واحد آن بالاترین مطلوبیت را به جامعه می دهند ثانیاً تا جایی این مصارف را ادامه می دهد که تعادل در مصرف وجوه حاصل گردد.

شرط تولید بهینه کالای عمومی

برای کالا عمومی، مقدار تعادلی و قیمت تعادلی به دست می آید؛ البته در یک کالای عمومی، این تعادل هنگامی به وجود می آید که قیمت در بازار ثبات داشته باشد. قیمتی که فرد تمایل دارد برای دستیابی به کالای عمومی بپردازد و برابر با منافع بقای آن کالا خواهد بود. حال اگر فرض کنیم که منحنی عرضه همان منحنی های هزینه نهایی (MC) برای کالای عمومی باشد ($S=MC$) شرط تعادل، برابری هزینه نهایی (MC) و منافع نهایی مصرف کننده است. پل ساموئلسون (اقتصاددان نئوکلاسیک) در مقاله خود، «نظریه تولید و مصرف کالاهای عمومی» را با چارچوب لازم برای برخورداری از شرایط بهینه پارتو تطبیق داد. او با در نظر گرفتن دو خاصیت غیرقابل تفکیک بودن منافع و امکان مصرف همزمان برای کالاهای عمومی، شرایط بهینه پارتو را نشان می دهد.

پیامدهای خارجی

فعالیت شخصی که به روشی خارج از مکانیزم بازار بر رفاه اشخاص دیگر تأثیر می گذارد. ممکن است مثبت باشد (یک منفعت به وجود آورد) یا منفی.

اقداماتی که به منظور اجتناب از آلودگی هوای شهرها می شود و امثال آن صورت می گیرد.

براساس فرضیات لازم برای وجود یک بازار رقابتی چنین انتظار می رود که مکانیزم بازار قادر به ایجاد یک تخصیص بهینه از منابع باشد. شرایط عمده برای عملکرد یک بازار رقابتی با قبول شرایط خاص برای توابع مطلوبیت و تولید عبارتند از:

۱- وجود تعداد زیاد و کافی عرضه کننده به مقداری که هیچ یک به تنهایی نتوانند در قیمت بازار تأثیر بگذارند.

۲- وجود تعداد زیاد و کافی متقاضی به مقداری که هیچ یک به تنهایی نتوانند در قیمت بازار تأثیر بگذارند.

۳- آزادی ورود (به) و خروج (از) بازار به وسیله عرضه کنندگان و متقاضیان

۴- وجود اطلاعات کامل از شرایط بازار

۵- یکسان بودن کاملاً کالا که به وسیله تولیدکنندگان به بازار ارائه می شوند.

در مواردی پیش می‌آید که شرایط فوق هر چند که می‌توانند یک بازار رقابتی را برقرار کنند، ولی تخصیص موثر و بهینه منابع را ایجاد نخواهند کرد. عمده مواردی که بازارها قادر به تخصیص موثر منابع نمی‌شوند ناشی از پیامدهای خارجی و کالاهای عمومی می‌باشد.

دولت می‌تواند با پرداخت سوبسیدی معادل فایده نهایی خارجی جبران کسر پرداخت مصرف‌کننده کالا را نماید و عامل عدم تعادل را از بین ببرد.

ورود دولت به صورت پرداخت یارانه در بازاری که پیامدهای خارجی مثبت و منفی مواجه نیست باعث ایجاد اضافه بار گم شده منفی می‌شود.

ایجاد تغییرات و سیاست مالیاتی و هزینه‌ای در راستای خط‌مشی‌هایی که افراد فقیر منتفع شوند. از اصول توزیع می‌باشد.

آثار (پیامد) خارجی مثبت

پیامد خارجی مثبت هنگامی وجود دارد که تولید یک کالا، علاوه بر فایده‌ای که به تولید کننده می‌رساند به دیگران نیز فایده برساند ولی تولید کننده نتواند پول آن را دریافت کند در این گونه مواقع کالا کمتر از حد بهینه تولید می‌شود و دولت باید به تولید کالاهایی که پیامد خارجی مثبت دارند یارانه بپردازد تا آن کالا به حد بهینه تولید گردند. در مواقعی که تولیدات فایده‌ای خارجی ایجاد می‌کنند، سطح تولید را کمتر از تولید مطلوب پیش بینی می‌نمایند، و در اینجا سوبسید دولت می‌تواند افزایش تولید تا رسیدن به سطح اولید کارآمد را تضمین نماید. یکی از کالاها و خدماتی که در ادبیات اقتصاد، سخن از پیامدهای خارجی اقتصادی یا خارجی مثبت آن می‌شود، آموزش است. توضیح آنکه متقاضیان تحصیلات آموزشی، علاوه بر فایده شخصی خود که با گذراندن دوره‌های مختلف آموزشی کسب می‌کنند، ایجاد تغییرات مثبت و رفاه خارجی برای جامعه نیز می‌کنند که این فایده‌های خارجی، یا پی‌آمدهای خارجی اقتصادی، به وسیله خود محصلین قابل جمع‌آوری نیست.

آثار (پیامد) خارجی منفی

پیامد خارجی منفی هنگامی وجود دارد که تولید یک کالا، هزینه‌هایی را برای دیگران (غیر از تولید کننده) ایجاد کند که تولید کننده مبلغ آن را پرداخته است مثلاً کارخانه سیمان با تولید سیمان باعث بیماری افراد می‌شود یعنی برای دیگران هزینه‌ای ایجاد می‌کند ولی آن را نمی‌پردازد. اگر پیامد خارجی منفی باشد کالا از حد بهینه اجتماعی بیشتر تولید می‌شود، بنابراین برای این که تولید آن را کاهش دهیم باید دولت مالیات دریافت کند تا کمتر تولید شود. در مورد تولیداتی که همراه با پیامد خارجی منفی هستند، اضافه تولید نسبت به تولید کارآمد عنوان می‌شود که با داخلی نمودن پیامد خارجی منفی برای رسیدن به سطح کارایی، تولید کاهش می‌یابد.

از همین رو «پیگو» نظریه پرداز کلاسیک مالیات را برای داخلی نمودن هزینه‌های خارجی و سوبسید را جهت تأمین کارایی تولید در زمان حضور فایده خارجی، ابزار لازم برای تصحیح پیامدهای خارجی تلقی می‌نماید. مقدار سوبسید به تفاوت بین سطح تولید خصوصی و تولید مطلوب اجتماعی بستگی دارد. در اینجا پیگو به موارد سوبسید کامل اشاره می‌کند که دولت کلیه هزینه تولید و ارائه کالاها را بر عهده می‌گیرد.

کالاهای عمومی را می‌توان نوعی خاص از آثار خارجی دانست به خصوص زمانی که، فردی یک اثر خارجی به وجود می‌آورد که دارای اثر کامل بوده و به وسیله هر فردی در اقتصاد احساس می‌شود، در اینجا اثر خارجی یک کالای عمومی خالص است (نابود کردن تمامی حشره‌های مضر در جامعه)

در اثر خارجی مثبت، سطحی پایین و غیر کارآمد از فعالیت در حالت عادی انجام خواهد شد (اگر در اثر سم پاشی درختان حشرات مضر درختان همسایه هم نابود شوند در سم پاشی بعدی کمتر سم خواهیم پاشید تا حتی‌الامکان سود کمتری به همسایه برسد یا اصلاً نرسد)

در صورت وجود آثار خارجی، ممکن است بازار در تخصیص منابع به صورت کارا ناتوان باشد در پیامد خارجی منفی کالا بیشتر از حد بهینه اجتماعی و در پیامد خارجی مثبت کالا کمتر از حد بهینه اجتماعی تولید می‌گردد.

مهمترین دلیل وضع سوبسید بر یک بازار کالا آثار (پیامدهای) خارجی مثبت می‌باشد. در صورت وجود آثار خارجی مثبت دولت با ابزار سوبسید یا یارانه و در صورت وجود آثار خارجی منفی دولت با ابزار مالیات وارد بازار می‌شود.

اثر خارجی کالای خصوصی

کالای کاملاً خصوصی اثر خارجی ناچیزی دارد، یعنی همه هزینه‌ها و فایده‌های تولید آن کالا در قیمت کالا منعکس می‌شود که در این صورت مکانیسم بازار صحیح عمل می‌کند و برای تولید آنها به دخالت دولت احتیاجی نمی‌باشد.

تأثیر خارجی در کالاهای عمومی

منظور سرمایه‌گذاری‌ای است که در بخش دولتی صورت می‌گیرد و در فعالیتهای اقتصادی بخش خصوصی اثر می‌کند مانند احداث راه، ساختن سد.

قضیه کوز

به شرایطی که در آن بتوان پیامدهای جانبی را با مشارکت طرف‌های دیگر و طی مجموعه قراردادهای خاصی درونی کرد و به کارایی دست یافت، قضیه کوز اطلاق می‌شود.

کالاهای عمومی و سواری مجانی

بیشتر کالاهای عمومی این خاصیت را دارند که وقتی تولید و عرضه شدند، امکان اعمال استثناء در استفاده از آنها غیرممکن یا دشوار خواهد بود و مشمول ویژگی عدم تخصیص منافع می‌گردند. به عنوان نمونه، زمانی که وسایل و امکانات دفاع ملی برقرار شد، کلیه افراد جامعه که درون سرزمین ملی زندگی می‌کنند از منافع آن بهره‌مند خواهند شد. اما در مورد کالاهای خصوصی و یک بنگاه خصوصی که در جهت کسب حداکثر سود و یا جبران هزینه تولید عمل می‌کند، باید امکان تفکیک منافع وجود داشته باشد تا مبادرت به تولید کالا یا خدمت نماید و بتواند منافع کالا یا خدمات را به کسانی که قیمت آن را می‌پردازند، تخصیص داده و آن‌هایی را که از پرداخت قیمت مزبور ممانعت می‌کنند، از استفاده محروم نماید.

از این مطالب این گونه برداشت می‌شود که در تولید کالاها و خدمات عمومی، مساله «سواری مجانی» مطرح است. به این معنا که، اگر امکان تخصیص منافع با هزینه‌ای معقول نیز وجود داشته باشد (مانند پلی که برای استفاده عموم ساخته می‌شود)، منع استفاده از آن برای عده‌ای غیراقتصادی خواهد بود. چون هزینه نهایی استفاده از کالاهای عمومی خالص صفر است یعنی، اضافه شدن یک استفاده‌کننده دیگر، هزینه جدیدی ایجاد نخواهد کرد. این بدین معناست که افراد یا گروه‌هایی از کالا یا خدماتی استفاده می‌کنند بدون آنکه در هزینه تأمین آن سهیم باشند.

وجود انحصار طبیعی: وجود این ویژگی در برخی فعالیت‌ها باعث می‌شود که رقابت در آنها به ضرر مصرف‌کننده و جامعه باشد و این امر به خاطر افزایش هزینه‌های ثابت می‌باشد. نمونه‌هایی از این فعالیت‌ها عبارتند از: آب، برق، تلفن و ...

مباحث اقتصادی تکمیلی فصل

✓ قضایای بنیادی اقتصاد رفاه

دو دستاورد از مهم‌ترین دستاوردهای اقتصاد رفاه، ارتباط میان بازارهای رقابتی و کارایی پارتو را توضیح می‌دهد. این دستاوردها، قضایای بنیادی اقتصاد رفاه نامیده می‌شود. اولین قضیه به ما می‌گوید اگر اقتصاد رقابتی باشد (و سایر شرایط مشخص را برآورده نماید) آن اقتصاد، کارایی پارتو است.

قضیه دوم پرسش را وارونه مطرح می‌کند. توزیع‌های کارایی پارتوی بسیاری وجود دارد. با انتقال ثروت از فردی به فرد دیگر، وضع فرد دوم را بهتر و وضع فرد اول را بدتر می‌کنیم. پس از اینکه ثروت را بازتوزیع کردیم، اگر اجازه دهیم نیروهای بازار خودشان به طور کامل آزادانه عمل کنند، نوعی تخصیص منابع کارایی پارتو را به دست خواهیم آورد. این تخصیص جدید، به طرق گوناگون از

آن تخصیص گذشته متفاوت خواهد بود. اگر ما ثروت را از آنهایی که بستنی شکلاتی دوست دارند بگیریم، در تعادل جدید، بستنی وانیلی بیشتر و بستنی شکلاتی کمتری تولید خواهد شد، اما در تعادل جدید هیچ فردی وضعیتش قابل بهبود نیست، مگر آنکه وضع دیگری بدتر شود.

پس می توان گفت قضایای بنیادی اقتصاد رفاه عبارتند از:

- ۱- هر اقتصاد رقابتی بهینه پارتو است.
- ۲- هر تخصیص منابع بهینه پارتو می تواند از طریق یک سازوکار بازار رقابتی دارای بازتوزیع اولیه مناسب به دست آید.

✓ بازار رقابتی / بازار انحصاری

بازار رقابتی : در صورتیکه در یک بازار تعداد عرضه کنندگان و تعداد تقاضا کنندگان زیاد باشد و ورود و خروج به آن بازار آزاد باشد به آن بازار رقابتی گویند.

بازار انحصار : به بازاری گفته می شود که در آن یک عرضه کننده وجود دارد و برای کالا و خدمات ارائه شده جایگزینی و جود نداشته باشد . هدف از انحصار، منحصراً تحصیل درآمد می باشد. البته انحصار اهداف سیاسی و اجتماعی نیز به دنبال دارد. هنگامی که تعداد اندکی بنگاه کالا به بازار عرضه می کنند، اقتصاددانان از آن بازار به عنوان نیمه انحصاری یاد می کنند و حتی وقتی که بنگاه های زیادی در بازار وجود دارد هریک ممکن است کالای نسبتاً متفاوتی را تولید کند و لذا ممکن است خود را با یک منحنی تقاضای نزولی مواجه ببینند. اقتصاددانان به چنین موقعیتی « رقابت انحصاری » می گویند.

یکی از دلایل رقابتی نبودن بازار، بازده صعودی نسبت به مقیاس است که با افزایش میزان تولید، هزینه هر واحد محصول کاهش می یابد. در این صورت تنها با حضور بنگاه های معدودی، کارایی اقتصادی تحقق می یابد. در صناعی که در آنها بازده صعودی نسبت به مقیاس بسیار مهم باشد، تنها یک شرکت در هر منطقه می تواند فعالیت کند مانند تأمین آب شرب، که به آن «انحصار طبیعی» می گویند. البته برخی از اقتصاددانان معتقدند که در انحصار طبیعی بهتر است دولت دخالت نکند و آن را به بخش خصوصی واگذار کند.

✓ قیمت کف : برقراری قیمت کف به این معنی است که دولت به منظور حمایت از عرضه کنندگان، اجازه ندهد که قیمت

از حد معینی کمتر شود برای اینکه قیمت کف، موثر واقع شود حتماً باید بالاتر از قیمت تعادلی تعیین شود.

- ۱- در قیمت های بالاتر از قیمت تعادلی مازاد عرضه (کمبود تقاضا) وجود دارد، در نتیجه قیمت کف منجر به اضافه عرضه می گردد چون قیمت کف از قیمت تعادلی بالاتر است مقدار تقاضا کاهش می یابد.
- ۲- قیمت کف برای آنکه کارآمد باشد باید در سطحی بالاتر از قیمت تعادلی بازار آزاد باشد. قیمت کف موجب کاهش مقدار تقاضا می شود، مگر آنکه دولت تقاضای خود را نیز به تقاضای بخش خصوصی بیافزاید.
- ۳- قیمت کف باعث اضافه عرضه می شود.
- ۴- قیمت کف برای حمایت از تولید کننده است.

✓ قیمت سقف: برقراری قیمت سقف به این معنی است که دولت به منظور حمایت از مصرف کنندگان، اجازه ندهد که

قیمت از حد تعیین شده بیشتر شود. قیمت سقف وقتی موثر است که پایین تر از قیمت تعادلی تعیین شود.

- ۱- چون قیمت سقف از قیمت تعادلی کمتر است ، منجر به مازاد تقاضا می شود. زیرا مقدار عرضه کاهش و مقدار تقاضا افزایش می یابد. درآمد عرضه کنندگان نیز کاهش می یابد زیرا قیمت و مقدار عرضه کاهش یافته است.

- ۲- برقراری قیمت سقف یکی از روش‌های کنترل در مورد کالای تولیدی انحصارگر است که به نفع مصرف‌کننده می‌باشد.
 ۳- قیمت سقف برای آنکه کارآمد باشد باید در سطحی پایین‌تر از قیمت تعادلی بازار آزاد باشد. قیمت سقف مقدار عرضه را کاهش می‌دهد و به فزونی تقاضا می‌انجامد مگر آنکه دولت مقدار نیاز اضافی را خود برطرف کند.
 ۴- قیمت سقف باعث اضافه تقاضا یا کمبود عرضه می‌گردد.
 ۵- کمبود عرضه در قیمت سقف از طریق جیره‌بندی، کوپن، صف و ... در غیر این صورت بازار سیاه بوجود می‌آید جبران می‌شود.

مثال: تابع عرضه شیر به شکل $Q = 18 + 2p$ و تابع تقاضای آن $Q = 114 - 4p$ است. برای حمایت از اقشار کم‌درآمد قیمت سقف معادل ۱۰ تعیین شده است. برای جلوگیری از کمبود بازار تصمیم گرفته شده است که یارانه پرداخت شود. مقدار یارانه به هر واحد کالا که کمبود را از بین ببرد برابر است با

قیمت سقف باعث اضافه تقاضا می‌شود. در قیمت ۱۰، مقدار تقاضا و عرضه برابر است با:

$$q^D = 114 - 4(10) = 74 \quad q^S = 18 + 2(10) = 38$$

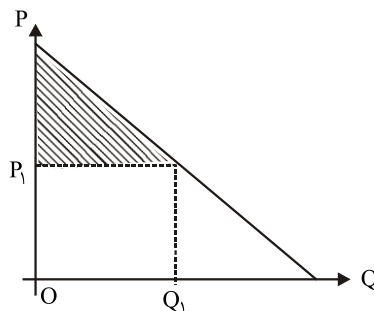
$$q^D - q^S = 74 - 38 = 36$$

بنابراین اگر تابع عرضه ۳۶ واحد به صورت افقی به سمت راست انتقال یابد اضافه تقاضا وجود ندارد. تابع عرضه $q = 18 + 2(p + s)$ که $s = 18$ باشد تابع عرضه ۳۶ واحد به سمت راست انتقال می‌یابد.

✓ اضافه رفاه مصرف‌کننده

تفاوت مبلغی که مصرف‌کننده حاضر به پرداخت مبلغی بابت مقدار معینی کالا و خدمات می‌باشد و آن چه را که بعد از اجرای پروژه دولتی می‌پردازد اضافه رفاه مصرف‌کننده می‌گویند یعنی این مابه‌التفاوت منفعت مصرف‌کننده می‌باشد که ناشی از اجرای طرح توسط دولت است. اضافه رفاه مصرف‌کننده به وسیله منطقه بین منحنی تقاضا و بالای خط افقی به قیمت بازار اندازه‌گیری می‌شود.

نکته) مازاد رفاه مصرف‌کننده حداکثر قیمتی است که مصرف‌کننده تمایل به پرداخت آن را دارد منهای قیمت بازار. تابع تقاضا حداکثر قیمت را به ازای مقدار و حداکثر مقدار را به ازای قیمت‌های مختلف نشان می‌دهد. در شکل زیر قسمت هاشورخورده بیانگر اضافه رفاه مصرف‌کننده می‌باشد.



$$\text{مساحت مثلث هاشورخورده‌ها} = \frac{\text{ارتفاع} \times \text{قاعده}}{2}$$

مثال) مقدار تقاضا از کالایی خاص در قیمت‌های مختلف به صورت زیر می‌باشد: ۱ واحد در قیمت ۵ تومان، ۲ واحد در قیمت ۴ تومان، ۳ واحد در قیمت ۳ تومان، ۴ واحد در قیمت ۲ تومان و ۵ واحد در قیمت ۱ تومان. زمانی که قیمت ۳ تومان است، اضافه رفاه مصرف‌کننده برابر است با

پاسخ) اضافه رفاه مصرف‌کننده تفاوت بین تمایل به پرداخت (نقاط روی خط تقاضا) و قیمتی که مصرف‌کننده می‌پردازد، می‌باشد. مصرف‌کننده اولین واحد را حداکثر به قیمت ۵ تومان حاضر است بخرد ولی قیمت بازار ۳ است، بنابراین اضافه رفاه اولین

واحد کالا ۲ تومان است، اضافه رفاه دومین واحد کالا ۱ تومان و سومین واحد اضافه رفاهی ندارد. در نتیجه جمع اضافه رفاه برابر با ۳ می شود.

➤ نکات

- ۱- اضافه رفاه مصرف کننده با قیمت بازار رابطه معکوس و با کشش تابع تقاضا رابطه معکوس دارد.
- ۲- میزان اضافه رفاه مصرف کننده بستگی به شیب منحنی تقاضا دارد.
- ۳- اگر منحنی تقاضا افقی باشد اضافه رفاه مصرف کننده صفر است.
- ۴- اگر منحنی تقاضا عمودی باشد اضافه رفاه مصرف کننده بینهایت است.
- ۵- با کاهش قیمت، اضافه رفاه مصرف کننده افزایش می یابد اگر کالا مجانی باشد، اضافه رفاه حداکثر می شود.
- ۶- وضع مالیات ثابت در بازار انحصاری رفاه مصرف کنندگان را تغییری نمی دهد.
- ۷- هر چه کالا ضروری تر (حیاتی تر) باشد به دلیل اینکه تمایل به پرداخت برای آن خیلی زیاد است و در مورد کالایی مانند آب که معمولاً قیمت آن کم است اضافه رفاه مصرف کننده زیاد است.
- ۹- نقطه تعادل مصرف کننده نقطه ای است که شیب خط مماس بر منحنی مطلوبیت با شیب آن برابر باشد.

✓ اضافه رفاه تولید کننده

سطح محصور بین منحنی عرضه، خط تعادلی قیمت و محور عمودی (تفاوت میان قیمت دریافتی با حداقل قیمتی که تولید کننده حاضر به عرضه کالای خود است، یعنی هزینه نهایی)

✓ اضافه رفاه بازار

عبارت است از مجموع اضافه رفاه مصرف کننده و تولید کننده.

✓ اضافه رفاه گم شده

اضافه رفاه گم شده، میزان کاهش رفاه جامعه در مقایسه با بازار رقابت کامل می باشد. مثلاً اگر بازار رقابت کامل به انحصار تبدیل شود، رفاه جامعه کاهش می یابد.
نکته: اضافه رفاه گم شده در بازار رقابت کامل بدون دخالت دولت وجود ندارد.

➤ نکات

- ۱- اضافه رفاه بستگی به شیب منحنی عرضه دارد.
- ۲- سطح پایین قیمت بازار و بالای منحنی عرضه، اضافه رفاه تولید کننده می باشد.
- ۳- اگر تابع عرضه به حالت عمودی نزدیکتر باشد کشش عرضه کمتر و اضافه رفاه تولید کننده بیشتر است.
- ۴- اضافه رفاه تولید کننده با قیمت رابطه مستقیم و با کشش قیمتی عرضه رابطه معکوس دارد.
- ۵- اگر تابع عرضه عمودی باشد اضافه رفاه تولید کننده بینهایت است.
- ۶- اگر تابع عرضه افقی باشد اضافه رفاه تولید کننده صفر است.
- ۷- اگر تابع عرضه به حالت افقی نزدیکتر باشد، کشش عرضه بیشتر و اضافه رفاه تولید کننده کمتر است.
- ۸- اعمال سهمیه بندی تولید باعث افزایش قیمت و کاهش مقدار تولید می شود، بنابراین باعث کاهش اضافه رفاه مصرف کننده و انتقال اضافه رفاه مصرف کننده به تولید کننده می شود.
- ۹- افزایش قیمت باعث افزایش اضافه رفاه تولید کننده و کاهش قیمت باعث کاهش اضافه رفاه تولید کننده می شود.
- ۱۰- کارایی در مصرف:

منظور از کارایی در مصرف این است که دو مصرف کننده در مورد مصرف دو کالای X و Y به وضعیتی رسیده باشند که نتواند مطلوبیت یکی را بدون کاهش مطلوبیت دیگری افزایش و برعکس. در این صورت مطلوبیت پاره تو به طور کامل برقرار است. به عبارت دیگر نرخ نهایی جانشینی کالای X برای کالای Y برای دو مصرف کننده A و B با یکدیگر برابر می‌شوند یعنی:

$$MRS_{xy}^A = MRS_{xy}^B$$

هزینه‌های عمومی

هزینه‌های عمومی دولت عبارت است از بهای کالاها و خدماتی که در حدود فعالیت دولت پرداخت می‌شود. امروزه وظایف و مسئولیت‌های دولت هم از لحاظ تعداد و هم از لحاظ وسعت، با گذشته کاملاً متفاوت بوده و به میزان زیادی افزایش یافته است. برخی از علل و عوامل موثر در افزایش وظایف دولت‌ها عبارتند از:

۱- انقلاب صنعتی و استمرار آن؛

۲- افزایش جمعیت و گسترش شهرنشینی؛

۳- دوران‌های تجاری؛

۴- جنگ و دفاع ملی؛

۵- افزایش درآمد دولت‌ها؛

۶- افزایش درآمد افراد

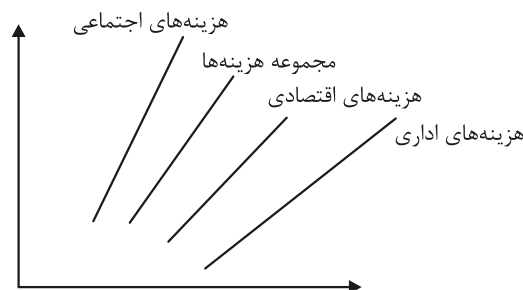
و ...

هریک از عوامل مذکور به تنهایی در وضع دولت‌ها و وظایفشان موثر بوده است.

در میان کسانی که در قاره اروپا در تحول نظریه اقتصاد بخش عمومی نقش داشته‌اند، می‌توان از «دایت زل» و «واگنر» نام برد. دایت زل به نقش دولت در اقتصاد به عنوان ایجاد کننده سرمایه اشاره می‌کند و اعتبارات دولت را عامل رشد اقتصادی می‌شناسد. و واگنر که پیش‌تاز زمان خود در بیان گسترش نقش دولت شناخته شده است، فرمول و نظریه معروف توسعه فعالیت‌های اقتصادی دولت را بر اساس عوامل فنی، تمرکز جمعیت و شهرنشینی و غیره ارائه می‌کند.

به اعتقاد واگنر، هزینه‌های عمومی بر اثر فشار گروه‌های متنفع و فشارهای اجتماعی، از دو جهت توسعه مسئولیت‌های قبلی و قبول مسئولیت‌های جدید، دائماً رو به افزایش است و دولت‌ها ناگزیر به دسترسی به منابع مالی کافی جهت انجام وظایف و مسئولیت‌های خود می‌باشند. واگنر ادامه می‌دهد: دولت‌ها تقریباً به‌طور دائم انجام وظایف جدید را به‌عهده می‌گیرند درحالی‌که وظایف قدیمی را نیز توسعه می‌دهند.

در مورد افزایش هزینه‌های عمومی باید به این نکته توجه داشت که اگرچه مجموع هزینه‌ها دائماً رو به افزایش است اما جهت افزایش هزینه‌ها یکنواخت نیست. مطالعات نشان می‌دهد علی‌رغم رشد جمعیت (که هزینه‌های عمومی بیشتر متأثر از آن است)، هزینه‌های اداری در مقایسه با هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی با رشد کمتری مواجه بوده است. نمودار زیر جهت افزایش هزینه‌ها را نشان می‌دهد:



در ارتباط با مخارج عمومی یا دولتی سه نوع مدل دولت را می‌توان برشمرد:

۱. «دولت حداقل» جایی که تنها کارکردهای قضایی، نظم عمومی، سیاست خارجی و برخی وظایف اساسی دیگر، باید توسط دولت انجام گیرد و سایر کارکردهای مورد نیاز جامعه باید متکی به ابتکارات بخش خصوصی باشد؛